



خدمات ارزی پرشیا
ارزش طلا دارد

خدمات ارزی پرشیا در جواهری
نشان و نشان
شهرت و شهرت
شهرت و شهرت

قیمت مناسب
تحويل سریع

محمد آوکی

۵۰ سال سابقه در صنعت جواهر و خدمات بازرگانی

سر مقاله زنان هم می توانند «رهبر» و «امام امت» شوند

گذشته از اینکه چه موضعی نسبت به «عرفان» و «دین» داشته باشیم و یا اینکه «تذکره اولیا» عطار را چگونه بنگریم، همین که وی نهد سال پیش ذکر «رابعه» را در کتاب «اولیا» در جمع شیوخ و رجال آورده، سزاوار تأمل است. عطار در «ذکر رابعه» می نویسد: «اگر کسی گوید ذکر او در صف رجال چرا کرده ای گویم که... کار به صورت نیست به نیت است... چون زن در راه خدای مرد بود او را زن نتوان گفت.» عطار توضیح می دهد: «در توحید، وجود من و تو کی ماند تا به مرد و زن چه رسد.»

با توجه به نگرش جمهوری اسلامی درباره زنان، جای شگفتی نیست که مبلغان رژیم به زندگی «رابعه» دستبرد زده اند. عطار در ذکر رابعه، پس از مدح و ثنا، به شرح گفتار و رفتار وی پرداخته و از جمله چنین حکایت می کند: «نقل است که جماعتی به امتحان بر او در شدند و خواستند که بر او سخنی بگویند. پس گفتند همه فضیلتها بر سر مردان نثار کرده اند و تاج نبوت بر سر مردان نهاده اند و کمر کرامت بر میان مردان بسته اند. هرگز پیغمبری به هیچ زن نیامده است. رابعه گفت: این همه هست و لکن منی امنیت و تکبراً و خودپرستی و انا ربکم الاعلی اشاره به فرعون مصر، از گریبان هیچ زن بر نیامده است و هیچ زن هرگز مخنث نبوده است. اینها در مردان وادید آمده است.» یادآوری مقام رابعه در این نوشته به دلیل حضور پنج زنی است که در «آزمون اجتهاد» برای نامزدی در مجلس خبرگان رهبری شرکت کردند. داشتن یک حکومت دینی در قرن بیست و یکم البته سبب سرافکنندگی است اما همین حکومت ناخواسته و ندانسته نه تنها بسیاری از تابوهای مذهبی را در جامعه شکسته بلکه حتی زنان معتقد به خود را نیز به میدانی کشانده که همواره در انحصار «رجال» بوده است. میدانی که با بحث درباره قید «رجال» در قانون اساسی به عنوان شرط لازم ریاست جمهوری آغاز شد. غافل از اینکه در اصول ۵ و ۱۰۷ قانون اساسی که به مقامی مهم تر یعنی «ولایت امر و امامت امت» و «فقیه عادل و با تقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدبر و مدیر» و «رهبر» و هم چنین اصل ۱۰۹ که به «شرایط و صفات رهبر» اختصاص دارند، درست مانند شرایط عضویت در مجلس خبرگان و شورای نگهبان هیچ شرطی برای جنسیت ذکر نشده است!

البته دلیل این امر مشخص است: از دید قانون اساسی جمهوری اسلامی و نویسندگان آن، بدیهی است که هیچ زنی نمی تواند «فقیه» و «رهبر» و «مجتهد» شود تا بتواند عضو مجلس خبرگان و شورای نگهبان شود و «ولایت امر و امامت امت» را بر عهده بگیرد. پس لزومی ندیدند که شرط جنسیت را در قانون قید کنند. تنها مقامی که انتظار می رفت زنان ممکن است خود را لایق آن بدانند، ریاست جمهوری بود که آن را هم با شرط «رجال» مسدود کردند. حال آنکه از نظر حقوقی برای رهبری و امامت و فقاقت، هیچ قیدی درباره جنسیت ذکر نشده چه برسد به اجتهاد و عضویت در مجلس خبرگان! بنابراین مشکل قانون اساسی وجود ندارد! برای برطرف کردن مشکل شرعی هم می توان آقایان را به رابعه رجوع داد که ذکرش در میان «اولیا» رفته است چرا که حرف و حدیثهای شرعی نیز به همان اندازه قابل اثبات و استناد است که تذکره اولیای عطار!

ایران و عربستان دو کشور در جستجوی یک نقش

مشکلات و اختلافات داخلی دو کشور بر مواضع و نقش منطقه ای آنها تأثیر مستقیم دارد



سرویس سیاسی کیهان:

روابط جمهوری اسلامی و پادشاهی سعودی به مرحله جدیدی از بحران قدم گذاشته است. این صفحه جدید با اعدام ۴۷ نفر به اتهام تروریسم در عربستان سعودی گشوده شد. البته اعتراض جمهوری اسلامی تنها به اعدام شیخ نمر باقر النمر، یکی از روحانیون شیعه افراسی و طرفدار ولایت فقیه در شرق عربستان است که از دیرباز دارای روابط بسیار نزدیکی با ایران و به ویژه با بیت رهبری بود. اعتراض بسیار تند رهبران جمهوری اسلامی که به تظاهرات خیابانی و حمله به سفارت پادشاهی سعودی در تهران و کنسولگری این کشور در مشهد کشیده شد، برای سعودی ها قابل پذیرش نبود و بلافاصله پس از حمله به دفاتر دیپلماتیک شان روابط سیاسی و اقتصادی خود را با جمهوری اسلامی قطع کردند.

تفسیر سیاسی هفته رادر صفحه ۲ بخوانید

جزیره سرگردانی



احمد جنتی، محمد مومن، مهدی شبزنهار جهمی، سید محمود هاشمی شاهرودی، محمدرضا مدرسی یزدی و محمد یزدی، ۶ فقیه منصوب رهبر جمهوری اسلامی در شورای نگهبان هستند که بر اساس تبصره ۱ از ماده ۳ «قانون انتخابات و آیین نامه داخلی مجلس خبرگان رهبری» مرجع تشخیص صلاحیت نامزدهای شرکت در انتخابات این مجلس هستند. در صفحه ۲

جدا از تمام بحثهایی که در مورد برگزاری غیر آزاد و عادلانه انتخابات در نظام جمهوری اسلامی وجود دارد اما «بازی» های سیاسی حول موضوع انتخابات در هر دوره حاشیه های خاص خود را دارد. شاید برخی آنها را تنها یکی دیگر از شعبده های نظام برای گرم کردن تنور انتخابات بدانند اما در پشت آن، هر چه که باشد، حرف و حدیث بسیار است. میراث دار بی صلاحیت خمینی

در گفتگو با دکتر جمشید اسدی:

شورای نگهبان اقتصادی

در صفحه ۴

در این شماره می خوانید:

- صفحه ۳ ● آلمان: نزدیک به امیلیون پناهجو و تقریباً نیم میلیون تقاضای پناهندگی در سال ۲۰۱۵
- صفحه ۴ ● دیوار کوتاه ورزش و تسویه حساب های سیاسی
- صفحه ۴ ● بحران در روابط جمهوری اسلامی و پادشاهی سعودی
- صفحه ۵ ● سرگرمی - جدول - سودوکو
- صفحه ۵ ● نامزدی، عقدکنان، عروسی و طلاق در ایران دیروز
- صفحه ۶ ● کشف حجاب: یک اصلاح انقلابی - مهر رخشان را نشاید گفت نورانی نبود!
- صفحه ۸ و ۹ ● «زن روز» و «مرد روز»
- صفحه ۱۱ ● زنان ایران هشتاد سال پس از کشف حجاب
- صفحه ۱۲ ● بحران در روابط جمهوری اسلامی و پادشاهی سعودی
- صفحه ۱۳ ● سرگرمی - جدول - سودوکو
- صفحه ۱۴ ● نامزدی، عقدکنان، عروسی و طلاق در ایران دیروز
- صفحه ۱۵ ● سیر صعودی نرخ بیکاری: جوانان و زنان بیشترین بیکاران

به مناسبت درگذشت شاهدخت اشرف پهلوی

صفحه ۷

مسابقات تنیس آزاد استرالیا
مرد آهنی، نابغه، رافا و موری سر حال و آماده
ونوس، شاراپوا و هالپ مصدوم
فدراسیون فوتبال امارات:
ما هم در ایران بازی نمی کنیم
محمد بنا: هر مدال المپیک ۱۰ میلیارد ریال هزینه دارد
در صفحه ۱۰

Tel: 0044(0)20 3633 3684

شما با آگهی در کیهان

Fax: 0044(0)20 3633 3685

نقط اطلاع رسانی و کسب و کار خود را معرفی نمی کنید بلکه یک کار فرهنگی نیز انجام می دهید:

کیهان . کیهان لندن . کیهان خودتان را زنده نگاه می دارید

www.kayhan.london

email: ads@kayhanlondon.net

ایران و عربستان دو کشور در جستجوی یک نقش

● مشکلات و اختلافات داخلی دو کشور بر مواضع و نقش منطقه‌ای آنها تأثیر مستقیم دارد

سلطان‌نشین عمان که واسطه آغاز گفتگوهای مستقیم ایران و آمریکا بوده است و همزمان

روابط جمهوری اسلامی و پادشاهی سعودی به مرحله جدیدی از بحران قدم گذاشته است. این صفحه جدید با اعدام ۴۷ نفر به اتهام تروریسم در عربستان سعودی گشوده شد. البته اعتراض جمهوری اسلامی تنها به اعدام شیخ نمر باقر‌النمر، یکی از روحانیون شیعه افراطی و طرفدار ولایت فقیه در شرق عربستان است که از دیرباز دارای روابط بسیار نزدیکی با ایران و به ویژه با بیت رهبری بود. اعتراض بسیار تند رهبران جمهوری اسلامی که به تظاهرات خیابانی و حمله به سفارت پادشاهی سعودی در تهران و کنسولگری این کشور در مشهد کشیده شد، برای سعودی‌ها قابل پذیرش نبود و بلافاصله پس از حمله به دفتر دیپلماتیک‌شان روابط سیاسی و اقتصادی خود را با جمهوری اسلامی قطع کردند.

واکنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

این اقدام پادشاهی سعودی البته واکنش دیگر دولت‌های عربی را نیز به دنبال داشت. بحرین، سودان، سومالی، جزایر کومور و جیبوتی هم روابط خود را با تهران قطع کردند، در حالی که کویت، امارات متحده عربی و قطر سفرای خود را از تهران فرا خواندند. تماس‌های وزارت خارجه ریاض با دیگر کشورها برای گسترش حلقه انزوای جمهوری اسلامی در منطقه البته همچنان ادامه دارد. رئیس جمهوری ترکیه، رجب طیب اردوغان، در بازگشت از ریاض شدیداً از جمهوری اسلامی انتقاد کرد. اردوغان گفت «مسئله اعدام چند نفر در سعودی مسئله داخلی است و کسی حق دخالت ندارد». رئیس جمهوری ترکیه افزود «کسانی که در قبال کشتار صدها هزار سوری سکوت کرده‌اند امروز برای اعدام یک نفر هیاهو به راه انداخته‌اند».

وزیر خارجه پادشاهی سعودی عادل الجبیر نیز این روزها سرگرم دیدار از چند پایتخت آسیایی برای به دست آوردن حمایت آنهاست. الجبیر به پاکستان، چین، کره جنوبی و ژاپن سفر کرده است. دولت چین هم نماینده‌ای به تهران و ریاض فرستاده

دارای روابط بسیار نزدیکی با پادشاهی سعودی است یکی دیگر از کشورهایی است که می‌تواند نقش میانجی میان تهران و ریاض را با حمایت کاخ سفید ایفا کند.

سیاست منفعل آمریکا

آمریکا در مقابل این تنش سیاسی منفعل انتخاب کرده است که البته نباید آن را به حساب بی اهمیت بودن بحران برای کاخ سفید گذاشت. آمریکا از سوئی نمی‌خواهد موضعی اتخاذ کند که به روند اجرائی شدن برجام لطمه وارد شود، و از سوی دیگر نگران روابطش با کشورهای عربی خلیج فارس است که مدت‌هاست دورانی نه چندان مناسب را می‌گذرانند.

کاخ سفید در سال جدید میلادی در نظر داشت به دو بحران در خاورمیانه سر و سامانی بدهد: یمن و سوریه. در هر دو بحران جمهوری اسلامی و پادشاهی سعودی نقش اول را ایفا می‌کنند و در مقابل هم قرار دارند. با تشدید بحران بین این دو کشور، راه برای هر گونه اقدام کاخ سفید دشوارتر خواهد شد. البته



©Reuters

مفسران آمریکایی بر این نظرند که آمریکا بیش از اینکه نگران وضعیت فعلی روابط بحرانی بین جمهوری اسلامی و پادشاهی سعودی باشد، نگران جرقه‌ای است که این بحران را از وضعیت سیاسی به نظامی تبدیل کند.

احتمال برخورد نظامی

ایران و عربستان در کارنامه خود یک دوئل هوایی دارند. در سال ۱۳۶۳ نیروی هوایی پادشاهی سعودی دو جنگنده اف ۴ ایرانی را در خلیج فارس سرنگون کرد. پس از آن جنگنده‌های ایرانی و سعودی در آسمان‌های خلیج فارس در مقابل هم قرار گرفتند ولی بدون درگیری به پایگاه‌های خود باز گشتند. وزیر دفاع و جانشین ولیعهد پادشاهی سعودی، شاهزاده محمدبن سلمان، در گفتگو با هفته‌نامه اکونومیست می‌گوید: «بعید می‌دانم این بحران به جنگ منتهی شود، ولی ما در مقابل هر اقدامی که علیه ما انجام شود واکنش نشان خواهیم داد». شاهزاده سعودی می‌افزاید: «جنگ میان سعودی و ایران آغاز فاجعه بزرگی در منطقه خواهد بود و بازتابش در سراسر جهان دیده خواهد شد».

این در حالیست که شهریار آهی که بارها به عربستان سفر کرده است و با محافل دربار سعودی آشنائی نزدیک دارد معتقد است

در صورت بروز جنگی رو در رو میان دو کشور، عربستان دست بالاتر از ایران خواهد داشت. پادشاهی سعودی، به گفته شهریار آهی، بهترین جنگنده‌های آمریکائی را در اختیار دارد که هدایت آنها محتاج مهارت



©Reuters

چندانی نیست و موشک‌های هوا به هوای این هواپیماها می‌توانند نیروی هوائی جمهوری اسلامی را زمین گیر کنند. این کارشناس می‌افزاید، پادشاهی سعودی آمادگی کامل برای استفاده از خشونت را دارد و حضورش در یمن، جمهوری اسلامی را کاملاً غافلگیر کرد.

رضا تقی زاده، دیگر تحلیلگر ایرانی نیز معتقد است ایران در مقابل قدرت نظامی سعودی ناتوان است و زمانی که نظامیان ریاض راهی بحرین شدند، جمهوری اسلامی نتوانست هیچ‌گونه واکنشی از خود نشان دهد.

اختلافات داخلی دو کشور

واکنش تند جمهوری اسلامی ایران به اعدام نمر باقر‌النمر و واکنش تندتر پادشاهی سعودی به حمله به سفارتخانه‌اش در تهران جنبه‌های داخلی نیز دارد. در جمهوری اسلامی اگر چه حتی پاسداران هم حمله به سفارت پادشاهی سعودی را محکوم کردند، ولی نمی‌توان مدعی شد که این حمله سازماندهی شده نبود. عدم واکنش نیروهای انتظامی حاضر در محل و حتی همکاری برخی از آنها با تظاهرکنندگان، چنان که از فیلم‌های منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی بر می‌آید، واقعیتی غیر قابل انکار است. ادامه حملات لفظی برخی مقامات رژیم ایران علیه زمامداران پادشاهی سعودی، در حالی که دولت تلاش در عذرخواهی دارد نیز یک بار دیگر نشان داد که در سیاست خارجی جمهوری اسلامی هم صدائی وجود ندارد و وزارت خارجه بازیگر اصلی نظام در تعیین سیاست‌های منطقه‌ای نیست.

واقعیت دیگری که باید در نظر داشت تغییراتی است که در پادشاهی سعودی در جریان است. در یک سال اخیر، با روی کار آمدن نسل جدیدی که میانگین سنی آنها حدود چهل سال است، عملکرد این کشور در صحنه داخلی و خارجی تغییر کرده است. شیوه‌های محافظه‌کارانه گذشته به نوعی کنار گذاشته شده و سیاست خارجی پادشاهی سعودی از حالت انفعالی به تهاجمی تغییر یافته است. برخی کارشناسان معتقدند که هرم جدید قدرت در این کشور برای انجام اصلاحات داخلی احتیاج به ایفای نقشی برجسته در منطقه دارد تا با اتکا بر این نقش بتواند راه را برای برخی تغییرات نوین در داخل که با مقاومت سخت بخش‌های سنتی روبروست باز کند. تغییراتی که البته به نظر می‌رسد آغاز نیز شده‌اند و یکی از آنها اعطای حق رای به زنان است.

در چهارچوب منطقه، پادشاهی سعودی که توانسته است با ترکیه به توافق‌هایی برای تقسیم قدرت دست یابد، با مشکلی به نام جمهوری اسلامی روبروست، که به نوبه خود قصد دارد حداقل در بخشی از کشورهای منطقه مانند عراق، سوریه، لبنان، یمن و بحرین نقش اول را عهده‌دار باشد و «هلال شیعه» را که پادشاه اردن چند سال پیش به عنوان خطری برای جهان عرب مطرح ساخت به واقعیتی انکارناپذیر و غیر قابل تغییر تبدیل سازد.

برای جمهوری اسلامی نیز پادشاهی سعودی و ترکیه جدی‌ترین موانع بر سر راه گسترش نفوذش در منطقه هستند. اگر در کشورهای اسلامی آسیای میانه ترکیه توانسته است تا کنون حرف اول را بزند، در بسیاری از کشورهای عربی، به ویژه پس از آغاز جنگ داخلی سوریه، حضور و نفوذ ایران به سود پادشاهی سعودی کم‌رنگ‌تر شده است.

جزیره سرگردانی

جدازا تمام بحث‌هایی که در مورد برگزاری غیرآزاد و عادلانه انتخابات در نظام جمهوری اسلامی وجود دارد اما «بازی»های سیاسی حول موضوع انتخابات در هر دوره حاشیه‌های خاص خود را دارد. شاید برخی آنها را تنها یکی دیگر از شعبده‌های نظام برای گرم کردن تنور انتخابات بدانند اما در پشت آن، هر چه که باشد، حرف و حدیث بسیار است.

میراث‌دار بی صلاحیت خمینی

احمد جنتی، محمد مومن، مهدی شب‌زنده‌دار جهرمی، سید محمود هاشمی شاهرودی، محمدرضا مدرسی یزدی و محمد یزدی، ۶ فقیه منصوب رهبر جمهوری اسلامی در شورای نگهبان هستند که بر اساس تبصره ۱ از ماده ۳ «قانون انتخابات و آیین نامه داخلی مجلس خبرگان رهبری» مرجع تشخیص صلاحیت نامزدهای شرکت در انتخابات این مجلس هستند. این شورای در سال‌های گذشته معیار تشخیص «اجتهاد» را منوط به شرکت در یک آزمون عمومی کرده است که تمام کسانی که برای اولین بار صلاحیت آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد می‌بایست در آن شرکت کنند. نجات‌الله ابراهیمیان، سخنگوی شورای نگهبان هفته گذشته اعلام کرد که «عدم شرکت در آزمون کتبی اجتهادی به منزله انسداد احزاب خبریوت فقهی وی برای شورای نگهبان است». با این حال قانون انتخابات مجلس خبرگان نیز مانند بسیاری از قوانین جاری در جمهوری اسلامی چندین تبصره دارد. یکی از این تبصره‌ها می‌گوید «کسانی که رهبر معظم انقلاب- صریحاً و یا ضمناً - اجتهاد آنان را تأیید کرده باشند، از نظر علمی نیاز به تشخیص

مدعی درجه اجتهاد شوند. سمیه طهماسبی عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی یکی از زنانی که در این آزمون شرکت کرده پس از خروج از محل دبیرخانه شورای نگهبان در قم گفته است «کسانی که اظهار می‌کنند خانم‌ها نباید در انتخابات خبرگان شرکت کنند، باید در افکار خود تجدید نظر کنند... و از طرفی کسانی که الفیای فقه را خوانده باشند، نه تنها حق، بلکه تکلیفشان است که در چنین عرصه‌هایی حضور پیدا کنند».

اما نکته مهم این آزمون شرکت ۱۵ نفر از علمای اهل سنت در آن بود. بنا به گزارش‌های منتشر شده سولات شرکت کنندگان شیعه و سنی متفاوت بوده است. اما نحوه دعوت کردن افراد به آزمون نیز خود از حاشیه‌های این انتخابات پر حاشیه است. نجات‌الله ابراهیمیان در این مورد تأکید دارد که «اطلاعیه رسمی فقهای شورای نگهبان به منزله دعوت رسمی» از تمام داوطلبان محسوب می‌شود و این شورا «برای رعایت جانب احتیاط»، پیامک (اس.ام.اس) نیز برای داوطلبان ارسال کرده است.

نگرانی سپاهی‌ها از «آقای خاص» خبرگان

المام نصر، مسئول سیاسی حوزه نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج با اشاره به اینکه «امروز می‌بینیم ۸۰۱ نفر احساس تکلیف کرده‌اند» تأکید کرده است که «۷۰ درصد آنها از طرف یک شخص خاص هدایت شده‌اند». نصر با اینکه نامی از اکبر هاشمی رفسنجانی نبرده است اما اشاره او در همین سخنرانی به اینکه «بحث شورای رهبری موضوعی بدون مبنا» است مشخصاً در ادامه حمله نیروهای نظامی به رئیس سابق مجلس خبرگان رهبری است. علی سعیدی، نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران نیز در یک سخنرانی باز هم بدون



اینکه نامی از رفسنجانی و سید حسن خمینی ببرد، گفته است: «عناصر پشت صحنه فتنه سال ۸۸ بار دیگر در حال طرح‌ریزی هستند و کسی که از یک طلبه یک علامه می‌سازد اگر در راس مجلس خبرگان قرار گیرد چه کاری با انقلاب می‌کند و بنده واقعا نگران هستم». چندی پیش هاشمی رفسنجانی از نوبی بنیانگذار جمهوری اسلامی به عنوان «علامه» یاد کرده بود. محمد کاظم انبارلویی، عضو شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی و سردبیر روزنامه «رسالت» نیز در مطلبی که در آن هاشمی رفسنجانی را به سرنوشتی مشابه «تهدید» کرده نوشته است: «این ابهام و ابهام باعث شده خدمات وی به انقلاب هم زیر سؤال رود و دلسوزان انقلاب نگران شوند که او سرنوشتی همانند سرنوشت منتظری پیدا کند. علت اقبال رسانه‌های دشمن از این نوع مصاحبه‌ها هم این نگرانی را تشدید می‌کند».

توپ رد صلاحیت‌ها در زمین شورای نگهبان

بر خلاف دوره‌های اخیر انتخابات شورای اسلامی که هیات‌های اجرایی هماهنگ با سیاست‌های حذف داوطلبان به رد صلاحیت آنها در مرحله اول اقدام می‌کرد، در این دوره بر اساس برآوردهای اولیه نزدیک به ۹۰ درصد داوطلبان از سوی این هیات‌ها تأیید صلاحیت شده‌اند. این روند به نحوی بوده که در استان بوشهر از ۴۸ نفری که ثبت‌نام کرده بودند، ۱ نفر انصراف داده و تمام ۴۷ نفر دیگر مورد تأیید قرار گرفته‌اند. یعنی استعلام هیات‌های اجرایی از ۴ نهاد وزارت اطلاعات، دادگستری، نیروی انتظامی و اداره ثبت درباره همه آنها مثبت بوده است.

حسن روحانی با این روش، هزینه رد صلاحیت داوطلبان را به زمین شورای نگهبان انداخته است. این شورا نیز دوره در پیش دارد: یا رد صلاحیت گسترده و قبول هزینه‌های اجتماعی- سیاسی آن، که تجربه نشان داده هیچ پروایی از آن ندارند، و یا تأیید صلاحیت اصلاح‌طلبان و نزدیکان به حسن روحانی. شواهد روزهای اخیر نشان می‌دهد که شورای نگهبان خود را برای رد صلاحیت‌ها آماده کرده است. *عنوان این گزارش نام رمانی از سیمین دانشور است.

فقهای شورای نگهبان نخواهند داشت». با این تصویر عدم حضور سید حسن خمینی، نوبی بنیانگذار جمهوری اسلامی در آزمون اجتهاد مجلس خبرگان رهبری داستانی دو سر باخت برای نظام جمهوری اسلامی محسوب خواهد شد. از یک سو بنا به آنچه سخنگوی شورای نگهبان می‌گوید، عدم شرکت به معنی عدم احراز شرایط اجتهاد است. این در حالیست که نزدیکان سید حسن خمینی تأکید دارند او از چندین مرجع بزرگ جهان شیعه مانند آیت الله العظمی سیستانی و وحید خراسانی حکم اجتهاد دارد. در همین حال محمد مومن عضو شورای نگهبان و ممتحن این آزمون در گفتگویی تأکید کرده است که «این آزمون در قانون تعیین شرایط اعضای خبرگان نیامده است؛ مرجع تشخیص دارا بودن شرایط ۵ گانه اعضای خبرگان، فقهای شورای نگهبان هستند». در این شرایط تأیید صلاحیت سید حسن خمینی به معنی رد سخنان خود اعضای شورای نگهبان و یا نزدیکی نظری (فقهی) این شورا با او محسوب می‌شود که با توجه به این موضوع سیاسی فقهای شورای نگهبان بسیار دور از ذهن است. از سوی دیگر اگر پای رهبر جمهوری اسلامی برای تأیید درجه اجتهاد او به میان کشیده شود، بر خلاف تمام شعارها و گفتارها، او مجبور به تأیید کسی می‌شود که ظاهرادر جناح منتقدان اوست. اماردصلاحیت او به معنی زمین انداختن نظر چندین مرجع تقلیدی است که حکم به اجتهاد حسن خمینی داده و در واقع صلاحیت کسی را که امروز در حوزه علمیه قم، درس خارج فقه و اصول (عالی‌ترین سطح درس حوزی) تدریس می‌کند زیر سؤال می‌برد.

کلاف سردرگم خبرگان

جدازا سید حسن خمینی برخی دیگر از چهره‌های شناخته‌شده نیز در این آزمون شرکت نکردند. محمدماجد، مرتضی آقانه‌رانی و رسول منتجب‌نیا از دیگر افرادی هستند که به استناد دارا بودن حکم اجتهاد از برخی مراجع، حاضر به شرکت در آزمون اجتهاد شورای نگهبان نشدند. از دیگر حاشیه‌های این آزمون حضور ۵ زن از ۱۰ نفری است که برای شرکت در این انتخابات ثبت نام کرده بودند. در واقع شورای نگهبان تا مرحله آزمون به زنان اجازه داده که

بحران در روابط ایران و عربستان و سیاست انفعالی آمریکا



«برای دیدن ویدئو، روی عکس کلیک نموده و یا به سایت کیهان لندن مراجعه نمایید.»
احمد رفت، همکار کیهان لندن، بارضا
تقی زاده، تحلیلگر سیاست بین‌المللی
بحران و پیامدهای آن داشته است.

ویدئو

روابط جمهوری اسلامی ایران و پادشاهی سعودی با اعدام شیخ نمر باقرالنمر و حمله به سفارت عربستان در تهران و کنسولگری این کشور در مشهد بحرانی‌تر شد.
جمهوری اسلامی و پادشاهی سعودی در سال‌های اخیر در کشورهای مختلف مثل لبنان، یمن، بحرین و سوریه و عراق درگیر جنگ‌های نیابتی هستند. در این حال، تشدید بحران منطقه، قدرت‌های جهانی را نگران کرده است. بحرانی که می‌تواند روند جستجوی راه حلی برای پایان بخشیدن به جنگ داخلی در سوریه را نیز کندتر سازد.

آلمان: نزدیک به ۱ میلیون پناه‌جو و تقریباً نیم میلیون تقاضای پناهندگی در سال ۲۰۱۵



صف پناه‌جویان برای ثبت نام در برلین، ۱۷ اکتبر ۲۰۱۵

جمهوری فدرال آلمان در سال ۲۰۱۵ شاهد ثبت بالاترین میزان درخواست پناهندگی در تاریخ خود بوده است. در این سال در مجموع ۴۷۶،۶۴۹ تقاضای پناهندگی در اداره فدرال امور پناهندگی در آلمان به ثبت رسیده است. یعنی ۲۷۳،۵۱۵ درخواست بیشتر نسبت به سال ۲۰۱۴ که رشدی معادل ۱۳۵٪ را نشان می‌دهد.

ده کشور مبدأ پناه‌جویان

ده کشور اول در بین کشورهایی که بیشترین پناه‌جویان از آنجا به آلمان آمده و درخواست اولیه پناهندگی آنها ثبت شده است، عبارتند از: سوریه (۱۶۲،۵۱۰)، سال ۲۰۱۴: (۴۱،۱۰۰)، آلبانی (۵۴،۷۶۲)، سال



۲۰۱۴: (۸،۱۱۳)، کوزوو (۳۷،۰۹۵)، سال ۲۰۱۴: (۸،۹۲۳)، افغانستان (۳۱،۹۰۲)، سال ۲۰۱۴: (۹،۶۷۳)، عراق (۳۱،۳۷۹)، سال ۲۰۱۴: (۹،۴۹۹)، صربستان (۲۶،۹۴۵)، سال ۲۰۱۴: (۲۷،۱۴۸)، مقدونیه (۱۴،۱۳۱)، سال ۲۰۱۴: (۸،۹۰۶)، نامشخص (۱۲،۱۶۶)، سال ۲۰۱۴: (۳،۶۷۶)، اریتره (۱۰،۹۹۰)، سال ۲۰۱۴: (۱۳،۲۵۳)، پاکستان (۸،۴۷۲)، سال ۲۰۱۴: (۴،۲۲۶).

ایرانیان پناه‌جو

در گزارش اعلام شده از سوی وزارت کشور آلمان نام کشور ایران برای دومین سال پیاپی از لیست ده کشور اولیه متقاضیان پناهندگی خارج گشته است. در عین حال در همین گزارش آمده است که تعداد ۷،۴۶۴ نفر ایرانی طی سال ۲۰۱۵ از طریق سیستم توزیع پناه‌جویان بین ایالت‌های شانزده‌گانه آلمان (ایزی سیستم) تقسیم شده‌اند. بر این اساس می‌توان این آمار را تعداد متقاضیان پناه‌جویان ایرانی ثبت شده برای

از میان درخواست‌های ثبت شده، ۴۴۱،۸۹۹ مورد مربوط به درخواستی است که برای نخستین بار ثبت شده است. تعداد ۳۴۰،۷۵۰ درخواست دیگر، درخواست مجدد بوده است. («درخواست مجدد» پناهندگی از سوی پناه‌جویی انجام می‌شود که یک بار - یا حتی چند بار - درخواست‌های پیشین پناهندگی‌اش رد شده است. این فرد می‌تواند هنوز در آلمان ساکن باشد و یا به خارج آلمان رفته یا حتی به کشور خودش بازگشته باشد، ولی اکنون دوباره به آلمان بازگشته و «درخواست مجدد» پناهندگی ارائه می‌دهد. البته بیشترین درخواست‌های پناهندگی مجدد مربوط به پناه‌جویان رده‌شده‌ای است که در آلمان ساکن هستند و در طول سالیان دراز با طرح دلایل جدیدی، درخواست مجدد پناهندگی تنظیم و ارائه می‌کنند.)

چگونگی اجرای قانون بهبود بر نامه معافیت ویزای آمریکا



«برای دیدن ویدئو، روی عکس کلیک نموده و یا به سایت کیهان لندن مراجعه نمایید.»
بیژن فرهودی در مورد چگونگی اجرای قانون جدید با جمشید نایینی و کیل

ویدئو

در روزهای پایانی سال ۲۰۱۵ لایحه بهبود برنامه معافیت ویزا به عنوان یکی از تبصره‌های لایحه بودجه ایالات متحده از تصویب کنگره گذشت و با امضای پرزیدنت اوباما به صورت قانون در آمد.
این قانون که در واکنش نسبت به حملات تروریستی در اروپا و آمریکا تدوین شده بر سفر اتباع ۳۸ کشور که مشمول معافیت دریافت ویزای آمریکا هستند در صورتی که از سال ۲۰۱۱ به بعد به یکی از ۴ کشور سوریه، عراق، ایران و سوئد سفر کرده باشند اثر خواهد گذاشت.

دیوار کوتاه ورزش و تسویه حساب‌های سیاسی

بازی‌های دستجمعی مقابل اسرائیل یک طولانی دارد و در ۳۷ سال گذشته به دستور رژیم از طریق تمارض و غش و ضعف یا عذر وزن کم کردن و بهانه‌های دیگر از مصاف با حریفان اسرائیلی شانه خالی کرده‌اند.
به هر روی تا اینجای کار از سوی دولت‌های سوئد و بحرین که مانند عربستان روابط خود را با جمهوری اسلامی به طور کامل قطع کرده‌اند یا امارات متحده عربی که سفیر خود را از تهران فرا خوانده در رابطه با تماشای ورزشی با ایران هنوز خبری منتشر نشده است.
در ماه‌های اخیر مناسبات جمهوری اسلامی و عربستان که در ۳۷ سال گذشته به دلیل دخالت‌های رژیم تهران در امور داخلی آن کشور هیچ‌گاه خوب نبوده تیره و تیره‌تر شده است.

به دنبال قطع روابط دیپلماتیک از سوی عربستان با جمهوری اسلامی مدیران باشگاه‌های ورزشی آن کشور اعلام کرده‌اند در لیگ فوتبال قهرمانان آسیا مقابل تیم‌های ایران در تهران بازی نخواهند کرد. آنها کنفدراسیون فوتبال آسیا ای.اف.سی و فدراسیون فوتبال جهان فیفا را در جریان تصمیم خود قرار داده‌اند. بر اساس قرعه کشی‌های انجام شده برای این بازی‌ها قرار است تیم الهلال عربستان با تیم تراکتورسازی تبریز و تیم النصر آن کشور با تیم ذوب آهن روبرو شوند.
تیم فولاد نیز به احتمال زیاد با تیم

که دولت‌ها نباید ورزش را به منافع سیاسی آلوده کنند. وی گفت، عربستان از دیگر کشورهای عربی نیز خواسته است در قبال ایران به همین ترتیب عمل نمایند.
استفاده از ورزش در کشمکش‌های سیاسی میان کشورها و بهره برداری تلافی جویانه از محبوب‌ترین سرگرمی مردم جهان برای تصفیه حساب‌های سیاسی متأسفانه سابقه‌ای نسبتاً طولانی دارد.
بعد از تجاوز نیروهای شوروی سابق به خاک افغانستان، آمریکا و برخی کشورها در مسابقات المپیک ۱۹۸۰ مسکو شرکت نکردند.



علیرضا نورمحمدی (پرسپولیس) و یوسف السالم (الهلال) در چهارچوب بازی‌های لیگ آسیا، استاد یوم سلطان فهد در ریاض، ۲۶ مه ۲۰۱۵

در این زمینه جمهوری اسلامی با جلوگیری از رقابت ورزشکاران ایرانی در روی تشک کشتی، داخل رینگ بکس، استخر شنا، پیست دو و میدانی، سالن شمشیربازی و در

الاتحاد و تیم الاهلی هم در صورت شکست تیم الجیش با تیم فولاد در یک گروه قرار خواهند داشت. روز دوشنبه این هفته یک روز پس از آنکه عربستان سعودی و به دنبال آن بحرین و سوئد روابط خود را با ایران قطع کردند باشگاه النصر که در لیگ قهرمانان آسیا با تیم ذوب آهن هم گروه است اعلام کرد مانند الهلال و الاهلی دو تیم دیگر عربستانی با حریفان ایرانی خود در ایران روبرو نخواهد شد. آنها ای.اف.سی را هم از تصمیم خود با خبر کرده‌اند.
در همین حال مسئولان باشگاه الاهلی در نامه‌ای از کنفدراسیون فوتبال آسیا خواسته‌اند مسابقات تیم‌های فوتبال عربستان با تیم‌های ایرانی را در یک کشور بی طرف برگزار نماید.
نظیر همین این درخواست را عبدالرحمان بن مساعد رییس باشگاه الهلال هم از ای.اف.سی داشته است. اما مهدی تاج از مسئولان فدراسیون فوتبال ایران می‌گوید: در ماده ۳ و ۴ اساسنامه ای.اف.سی آمده است

«ایران به دنبال بحران‌سازی است»



«برای دیدن ویدئو، روی عکس کلیک نموده و یا به سایت کیهان لندن مراجعه نمایید.»
تضامن دموکراتیک اهواز» که طرفدار ایجاد یک سیستم فدرال حکومتی در ایران است در گفتگویی با بیژن فرهودی حمله معترضان ایرانی به سفارتخانه سعودی را بخشی از بحران‌سازی جمهوری اسلامی در منطقه و مشتعل نگاه داشتن آتش سوریه اثر بگذارد.
جلیل شرفانی دبیرکل «حزب

ویدئو

یک بار دیگر شعور در ایران جای خود را به شعار داده است. کشوری که پس از سال‌ها تحریم به دلیل برنامه هسته‌ای‌اش اکنون به لطف برجام در مسیر پایان گرفتن انزوای بین‌المللی حرکت می‌کند بار دیگر در کانون انتقادات جهانی قرار گرفته است.
کمتر از یک روز پس از اعلام تصمیم عربستان به قطع مناسبات خود با ایران به علت حمله معترضان به سفارتخانه آن کشور در تهران و کنسولگری‌اش در مشهد که در اعتراض به اعدام شیخ نمر روحانی شیعه عربستان توسط حکومت سعودی صورت گرفت، بحرین و سوئد نیز روابط خود را با ایران قطع کردند و امارات نیز سطح مناسبات خود را با ایران کاهش داد. با این همه دولت حجت‌الاسلام روحانی حمله به سفارت عربستان را محکوم کرده و نماینده ایران در سازمان ملل متحد

دارالترجمه بین‌المللی فریسی

زیر نظر و با مسئولیت دکتر ناصر رحیمی
(استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبایله ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی
تلفن:

020-8735 6500 / 020-8222 8884 / 020-8222 8831
فکس: 020-7760 7160

www.assot.co.uk
Email: assot@aol.com

Suite 611, Britannia House, 11 Glenlorne Road Hammersmith, London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

کامیار بهنگ - بحران در روابط میان جمهوری اسلامی و پادشاهی سعودی امر جدیدی نیست. در نزدیک به ۳۷ سال گذشته و حتی اواخر دوران پادشاهی پهلوی در ایران همواره روابط دو کشور همراه با نوعی تنش بوده است. نمونه‌ی آخر آن را می‌توان در حمله تعدادی از معترضان به سفارت پادشاهی سعودی در تهران مشاهده کرد که به قطع رابطه سیاسی دو کشور انجامید. اما سعودی‌ها در این مسیر تنها نبودند و چندین کشور عربی دیگر نیز رابطه خود با جمهوری اسلامی را قطع و یا سطح آن را کاهش داده‌اند. در چنین شرایطی اما پرسش مهم اینجاست که چرا جهان عرب تا این حد نسبت به ایران موضع منفی پیدا کرده است و از سوی دیگر آن روحیه عرب‌ستیزی که در بخشی از جامعه ایران وجود دارد از کجاست که در چنین مواقعی بیشتر بروز کرده و گسترش می‌یابد؟ نقش جامعه مدنی در این میان چیست و آیا همین جامعه مدنی در ایجاد روحیه عرب‌ستیزی و هم‌چنین تغییر چهره ایران در کشورهای عرب مقصر است؟ برای یافتن پاسخ‌هایی به سراغ شروین نکویی، جامعه‌شناس مقیم هلند رفتیم تا با او زمینه‌های گوناگون ایجاد این فضای بحرانی را بررسی کنیم.

شروین نکویی در سپتامبر سال گذشته میلادی مطلبی را با عنوان «صدای صلح‌طلبان خاورمیانه کجاست؟» در مجله اینترنتی «وپن دموکراسی» منتشر کرده بود. او در این مقاله با اشاره به اینکه تعداد کسانی که در خاورمیانه جرأت انتقاد از بازی غیرانسانی حکومت‌هایشان را دارند بسیار اندک است، به نقش کم‌رنگ روشنفکران یا رهبران نهادهای مدنی که در خارج از این محدوده جغرافیایی باز هم این انتقادها را مطرح نمی‌کنند تأکید دارد. از او در مورد این صدای صلح خاموش و ضرورت بلند شدن این مطالبه در شرایط بحرانی مانند آنچه امروز با آن روبرو هستیم، پرسیدم. وی ابتدا به زمان نگارش آن مقاله اشاره کرد و گفت: «در واقع این بخشی از تحقیقی است که من برای موسسه Aspen در مورد جنگ‌های نیابتی در منطقه انجام می‌دهم. من درست روزی که حمله نیروهای متحد با عربستان سعودی به یمن آغاز شد برای انجام تحقیقاتم وارد قطر شدم. دیدگاه اصلی این تحقیق در مورد جنگ‌های نیابتی به جنگ سردی باز می‌گردد که سی و اندی سال میان ایران و عربستان سعودی در جریان است. نکته محوری که من در آن زمان متوجه شدم، نبود یک گفت‌وگو صلح در خاورمیانه و طور مشخص در میان جامعه مدنی و

بحران منطقه و بی‌مسئولیتی نخبگان در گفتگو با شروین نکویی



«تنها ۱۴ یا ۱۵ قرن» اختلاف میان شیعه و سنی حالا به جنگ میان جمهوری اسلامی و پادشاهی سعودی بدل شده است

مدنی دو کشور نیز بدل شده است. از شروین نکویی در مورد زمینه‌های این نزاع و به طور مشخص در مورد آنچه این روزها در رسانه‌ها به سوی یکدیگر آتش می‌شود سؤال کردم. او با اشاره به اینکه «باید تعارف را کنار گذاشت و موضوع عرب‌ستیزی در بخشی از



«ندیدن نقش ایران در بحران منطقه نادیده گرفتن تاریخ است»

فرهنگ و جامعه ایرانی را به رسمیت شناخت» تأکید دارد: «به هر صورت این خشم نسبت به جهان عرب وجود دارد که حتی با نوعی وطن‌پرستی ما عین شده است. اما برخی که من حاضر نیستم آنها را روشنفکر بنامم و تنها کسانی هستند که میکروفن یا قلمی دارند این شعله‌ها را افروخته‌تر می‌کنند. اما اینها را کنار بگذاریم چرا که اینها تنها معرکه‌گیرانی هستند که به باور من فعالیت‌های اینها زیاد اهمیتی ندارد. مشکل اساسی من با جامعه به معنی واقعی نخیه و روشنفکر ماست. آنها همی که متأسفانه اعتنایی به کشورهای همسایه ما ندارند و اهمیتی به اذهان عمومی کشورهای همسایه نسبت به ایران نمی‌دهند. از طرف دیگر نه شناخت ژئوپولیتیک نسبت به وضعیت ایران در منطقه دارد و نه به اخلاق ژئوپولیتیک اعتنایی می‌کند به همین دلیل این روحیه موجود را دست کم می‌گیرد و این مساله بسیار

شده است به هیچ وجه نمی‌توانست به وجود بیاد و این قدر قدرت بگیرد اگر حکومت ایران از دولت شیعه‌ای که جانشین صدام حسین شد به آن شکل پشتیبانی نمی‌کرد تا صدام دوم حالا با رنگ شیعه به وجود بیاید. متأسفانه روشنفکران و تحلیل‌گران ما اکثر آنها در تفکر ضد امپریالیستی محدود هستند و وقتی از ریشه‌های پدیده داعش سخن می‌گویند، سریع آن را به جرح دلبیو بوش و حمله عراق رجوع می‌دهند، این واقعیت کامل نیست. حکومت ایران در فاجعه‌ای که به نام داعش شناخته می‌شود کاملاً نقش مستقیمی دارد.

در مورد سوریه چه به حق و چه ناحق اذهان عمومی جهان عرب از مراکش تا اردن و مصر در کشتار و فاجعه‌ی سوریه، ایران را یکی از مقصران اصلی می‌بیند. این یک واقعیتی است که ما با آن مواجه هستیم ولی به آن توجهی نداریم در حالی که من معتقد هستم هیچ لزومی ندارد که با جهان عرب (من در مورد فقط عربستان سعودی و نوع و هابیسمی که در آن کشور حاکم است



شروین نکویی، جامعه‌شناس

صحبت نمی‌کنم) در سبب باشیم. از نظر فرهنگی، تاریخی و از دید روشنفکری موجود در میان جهان عرب و حتی جامعه مدنی آنها به ما بسیار نزدیک است. فقط متأسفانه به دلیل چرخ دومی که در جامعه مدنی ما لنگ می‌زند و آن هم غرب‌زدگی موجود در جامعه، ترجیح می‌دهیم در دیالوگ با غرب باشیم و خودمان را رو به غرب توضیح می‌دهیم و واقف نیستیم که حکومت‌ها می‌آیند و می‌روند اما جهان عرب همسایه بزرگ ماست و ما و جهان عرب برای ایجاد صلح به یکدیگر نیاز داریم.»

شروین نکویی در مورد نقش رسانه‌ها و جامعه نخبگان در ایجاد گفت‌وگو صلح بحث را به پایان رساندیم. او با نقد فضای موجود در رسانه‌های اجتماعی موجود گفت: «متأسفانه کسانی همان طور که بسیاری از شما در فضای مجازی مشاهده می‌کنید به چند پیروزی رزمی سپاه پاسداران در عراق دلخوش کرده‌اند. از آن طرف

کسانی مانند استاد بزرگوار ما آقای مسعود بهنود که پیش‌کسوت فضای رسانه ما هستند ثنای سردارهای سپاه را می‌گویند. من می‌گویم که آقای سردار، شما موقعی به عنوان چهره‌ای مثبت به تاریخ خواهی پیوست که توانایی آن را داشته باشی که از موضع قدرت صلح بسازی. با چند جنگ در کوه و چند پیروزی جنگی به تاریخ نخواهی رفت. این مساله جنگ در منطقه با این اسلحه‌کشی‌ها حل نخواهد شد. این پیش‌کسوت‌های ما در رسانه‌ها باید این سؤال را پاسخ دهند که در حال ساخت کدام الگو برای جامعه امروز ایران هستند؟ سرداران سپاهی که نقش پررنگی در فاجعه امروز عراق داشته و دارند؟ از طرف دیگر ما اسیر یک دید رمانتیک هم هستیم؛ استاد عزیزم آقای دباشی که من به کارهای تحقیقی ایشان مخصوصاً در مورد تاریخ و فرهنگ شیعه علاقه دارم، در همین هفته مطلبی را در الجزیره انگلیسی منتشر کرده‌اند و اشاره می‌کنند که در سفرشان به دوحه و بازدید از موزه اسلامی دیده‌اند که چقدر کارهای هنری ایرانی آنجا موجود است و هیچ خبری از جنگ شیعه و سنی در قطر نیست. اما باید گفت؛ استاد عزیز، با این چشم رمانتیک به فضای موجود میان جهان عرب و ایران نگاه کردن، آگاهی دادن به جامعه ایرانی و جامعه بین‌المللی نیست. من فکر می‌کنم که استاد عزیزم آقای دباشی خوب بود که یک بار در پایگاهی که در اختیار ایشان قرار دارد می‌گفتند که من به عنوان ایرانی از نقش حکومت‌ام در فاجعه‌ای که در سوریه به وجود آمده است، شرم دارم. خلاصه بگویم ما باید مسئولیت‌پذیر باشیم. ما مسئولیم در برابر حوادثی که در آن منطقه به وجود آمده است. ما باید آن را ببینیم و آگاهانه با آن برخورد کنیم. من در سفر سال گذشته به قطر با شیخ معاذ خطیب (رئیس سابق شورای مقامت سوریه) دیدار داشتم؛ برایم جالب بود که این شخص به فرهنگ ایرانی علاقه دارد، مولوی‌خوان است و چقدر با نگاه تحسین‌آمیز به علی شریعتی نگاه می‌کند. اما برای این شخص جای سؤال بود و از من پرسید که چطور می‌شود جامعه‌ی نخیه‌ی ایرانی با آن فرهنگ غنی در مقابل این فاجعه‌ای که ۴ سال است در کشور من (سوریه) اتفاق می‌افتد و حکومت ایران نقش مستقیمی در آن دارد، سکوت می‌کند. این واقعاً برایش سؤال بزرگی بود و من هیچ توضیح و توجیهی برایش نداشتم. زمان آن رسیده که ما به عنوان جامعه و نمایندگان ما، چه در عرصه سیاست و چه در عرصه جامعه مدنی نسبت به نقشی که در منطقه داریم مسئولیت‌پذیر باشیم.»

کردیم نه تنها این کار را انجام دهد بلکه خوانندگان کیهان لندن را تا پایان اینک ماجرای مهاجرتش به استرالیا به کجا خواهد رسید، با خود همراه کند. حال با انتشار نسخه بی‌دی اف کیهان لندن، هر هفته بخشی از ماجرای مهاجرت آریا و خانواده‌اش به استرالیا را به همان زبانی که خودش بیان می‌کرد، می‌خوانید:

محکم با دست و پا قفلم کرد و تنها شانس‌ی که آوردم این بود که دست چپم آزاد بود و من هم چپ‌دست هستم. هر دو با هم می‌رفتیم زیر آب احساس خفگی عجیبی به من دست داد. مرگ رو به چشمم دیدم. هرچی زور در بدنم بود (با اینکه زیر آب بودم) توی دستم جمع کردم و محکم تو پهلویش زدم دیدم ولم کرد. با جون کردن اومدم رو آب دیدم یه پام هنوز تو دستشه. هنوز بیچاره امید داشت. خودم رو به ساحل رسوندم و با یه دست یه شاخه رو گرفتم و با اون دست هم، دست اون بیچاره رو. ساحل شیب نداشت و بریده بود. لب ساحل حدود سه متر گود بود. با هر بدبختی بود آوردمش بالا. نکته جالب این که هیچ کس به کمک ما نیومد! پسر رو به پهلو خوابوندم. از بس که آب خورده بود بیهوش شده بود. با ماساژ دادن قلباش دیدم ناله کرد و برگشت و زد زیر گریه. منو بغل کرده بود و گریه می‌کرد. بیچاره اینقدر ترسیده بود که به برادرش فحش می‌داد که چرا نتهاش گذاشته. تا چند سال بعد از این ماجرا که می‌دیدمش هی تشکر می‌کرد.

ادامه دارد...

وی ساکن هستند. خواننده دیگری این یادداشت آریا را خواند و حاضر شد هزینه اشتراک کیهان را برای آریا و دیگر ایرانیان کمپ پناهجویان در اندونزی بپردازد. ضمناً آریا براز علاقه کرد ماجراهایی را که از سرگذرانده با خوانندگان کیهان در میان بگذارد. ما از او خواهش

استرالیا حکمتی داشته و اگر خدای ناکرده تو اقیانوس اتفاقی می‌افتاد چه کار می‌کردیم. تو این استخر که فقط یک متره بچه‌ها نزدیک بود خفه بشن و اگه می‌رفتیم تو اقیانوس با موج‌های ده متری و بیست متری چه کار می‌کردیم اون هم با یه لنج ماهیگیری که به تخته پاره شبیهه. خدا به ما رحم کرد که بچهام خفه نشد. من یه بار در خوزستان تو رودخانه دز با اینکه شنا بلد بودم احساس خفگی رو تجربه کردم. روی یه تخته سنگ کنار دز نشستم بودم که دیدم دو برادر یکی چاق یکی لاغر خودشون رو پرت کردن توی آب. برادر لاغر درست شنا بلد بود و رفت. اما چاقه همه‌اش داد می‌زد آه خفه شدم. من فکر کردم مسخره بازی می‌کنه ولی دیدم رفت زیر آب و نیامد بالا. من که رو صخره بودم سریع شیرجه زدم و چون نمی‌دونستم پسر تو چه وضعیتی (کسی که غرق میشه باید از پشت گردن بگیردش) چون ترس ورش میداره و قفلت می‌کنه و ممکنه باعث خفگی شخص نجات دهنده بشه) لحظه‌ای که تو آب افتادم دیدم پسر که از من حدود بیست کیلو سنگین‌تر بود از جلو



دویدم. پوریا رو با خودم می‌کشیدم تا به بچه برسم غافل از اینکه در حین کشیدن پوریا سرش رفته زیر آب و من متوجه نشدم. بچه رو گرفتیم و برگشتم دیدم پوریا از بس آب خورده یکباره زد زیر گریه. طفلک حدود سه چهار متر سرش زیر آب بود و خدا بهش رحم کرد. هر دو بچه به شدت گریه می‌کردند و من هم به پشت برشون گردونده بودم و به کم‌رشون می‌زدم تا آب از دهنشون خارج بشه. یکباره فکرم رفت طرف اقیانوس هند که شاید ما با لنج نتونستیم بریم

در سال ۱۳۹۰ آریا از اندونزی با بخش «نظر شما برای ما مهم است» سایت کیهان لندن، کیهان آنلاین، تماس گرفت و پس از ابراز مهر و علاقه به این روزنامه، خواهش کرد مطالب کیهان لندن در فرماتی برایش فرستاده شود که بتواند با امکانات اندکی که در آنجا دارد بخواند و در اختیار دیگر پناهجویان ایرانی قرار دهد که در کمپ

سرورقی زنده زندگی
ماجرایی از نسل تازه موج مهاجرت ایرانیان
اول با من به جاکارتا بیایید!

بخش چهل و یکم:
ماجرای روزانه ما

امروز قبل از اینکه شروع به نوشتن کنم صدای دکتر نوری زاده رو که شب قبل دالود کردم گوش دادم متوجه شدم برنامه راجع به مهاجرت به استرالیاست که یکی از هموطنان کرد از کریسمس آیلند با دکتر مصاحبه می‌کرد و از مشکلاتشون و اینکه کسی صدایشون رو نمی‌شنوه و حدود یک ساله که تو کمپ کریسمس آیلند گرفتار هستند صحبت می‌کرد.

شب قبل مصاحبه اختصاصی بی بی سی فارسی با کریس بون وزیر مهاجرت و شهروندی استرالیا رو می‌خوندم که با کمال افتخار از اقدام دولت گیلارد دفاع می‌کرد. جالبه پناهجویان با بدبختی از اقیانوس هند رد میشن بعد خیلی راحت برگردونده میشن و طرف می‌گفت به غیر از قرارداد برگردوندن پناهجویان به مالزی، دولت استرالیا سرگرم مذاکره با چند کشور دیگه است که در آینده پناهجویان بیشتری رو به کشورهای دیگه برگردوند. واقعا که

ناگزیری است که خود تجربه کرده است و این تجربه‌ی شخصی بسیار متفاوت است از اینکه تو فقط شاهد ماجرا باشی یا شنونده‌ی وقایع و کارهایش. بازتاب کنتراست و تضادهای جامعه‌ای است که از یک طرف همه محدودیت است و از جانب دیگر جامعه‌ای است که نمی‌تواند آزاد نباشد. هراندازه دست و بال‌اش را می‌بندند افراد راه خود را می‌گیرند و همین تناقض‌هاست که تنش ایجاد می‌کند. و طرفین تضادها به طور دائم در تلاش هستند که چگونه تضاد را به نفع خود تمام کنند. افشین و نقاشی‌هایش بازتاب تناقض‌ها و تضادهای جامعه‌ی ما هستند. افشین ناغونی ادعای سیاسی بودن ندارد. ولی کارهایش پیام‌هایی را به بینندگان ارائه می‌دهند که مسائل اصلی جوامع امروزی دنیا را مطرح می‌کنند. او خود را محدود به ایران نمی‌کند. و حال که نزدیک به دو دهه در غرب زندگی کرده است، آن جوامع را نیز خوب می‌شناسد. می‌گوید: «با تن لخت مشکلی ندارم، ولی اینکه تن لخت زن را وسیله‌ای برای تبلیغات کنند نمی‌پذیریم. با پوشش اسلامی زن مشکلی ندارم اما اینکه به زور روسری سرزن‌ها کنند موافق نیستم.» می‌گوید: «وقتی به دور و برم در دنیا نگاه می‌کنم و خشونت و جنگ و فقر می‌بینم، چگونه می‌شود از گل و بلبل در کارهایم بگویم.» می‌گوید: «در شرق و هم در غرب مردسالاری وجود دارد.»

افشین ناغونی در یکی از مصاحبه‌هایش گفته است: وقتی قلم مو را به دست می‌گیرم فکر می‌کنم خوشبخت‌ترین آدم هستم. پاسخ «آیا خوب بود می‌مرد یا زنده می‌ماند؟» در اینجا داده شده است. فیلم Out of Focus از سقوتی شهریار صیامی، کارگردان این فیلم دو سال به طول انجامید تا تهیه شود. یک پرسوپی یگانگی لازم بود در آغاز تا به تدریج یک خانواده‌ی سه نفری با افشین و همسرش و کارگردان تشکیل شود، همدیگر را حس کنند و فیلمی تهیه شود هرچه صمیمی‌تر و واقعی‌تر. پرسوپی مشهور شدن افشین نیز هم زمان با این دوره‌ی دو ساله بوده است. به همین علت فیلم به صورتی طبیعی قبل و بعد از اشتهار جهانی افشین راه و حال و روح‌اش را در این مقاطع منعکس می‌کند همراه گفت و گوهایی بانزدیک ترین دوستان که چهره‌ی همه‌ی آنها مات است، و با صاحبان گالری و چند آرتیست انگلیسی در لندن. در دوران تهیه‌ی این فیلم، افشین به گفته‌ی صیامی می‌گوید: شما مرا دوباره به ایران و آن فضاها بردید. همیشه در ایران زندگی کرده است. <http://vancouverbidar.blogspot.ca>
vancouverbicar@gmail.com

چه چیزی را می‌خواهد بگوید. او می‌توانست مثل خیلی از نقاش‌های دیگر فقط بدن برهنه‌ی زن را ترسیم کند. ما از این نقاش‌ها فراوان داریم. افشین‌ی که از نوجوانی در تبریس بمب‌های هوایی و تیرهای دوربر زمینی عراق در جنوب ایران قرار داشته، افشین‌ی که فقط به علت یک گردهمایی دوستانه مورد غضب مامورین قرار می‌گیرد و از هراس دستگیری و محروم شدن از دانشگاه و غیره پا به فرار می‌گذارد و نتیجه‌اش افلیج شدن در تمام عمر است، زن عریان‌اش در نقاشی می‌تواند هولناک باشد و نماد پاک روح آن جوان حق‌کشته‌ای که خدشه‌دار شده است؛ موهای زن‌های نقاشی‌اش را پریشان می‌کشد بر روی چهره‌ای که فقط رنگ تلخ دارد، چشمانش را مردد و گاه غضبناک. زن برهنه‌اش برقع توری بر سر دارد و چشمان سیاه درشت‌اش پر از پرسش. نقاشی زن برهنه می‌تواند در عین حال اعتراض به پوشش باشد. پوشش اجباری در برابر طبیعتی که لخت است و اصل و زیباست. و منظور از این پوشش، پوشش سر و اندام نیست. ما انواع و اقسام پوشش در جامعه داریم. برهنگی بدن می‌تواند نماد آزادی باشد در قبال زنجیرهایی که به دست و پا بسته‌اند و پوشش‌هایی که برای بستن زبان‌ها در شکل‌های مختلف ایجاد کرده‌اند.

آیا خوب بود می‌مرد یا زنده می‌ماند؟

در یک سکناس از فیلم صیامی یک سؤال مطرح می‌شود زمانی که افشین از شش طبقه سقوط کرد و فلج شد. و آن اینکه آیا خوب بود وقتی که افشین سقوط کرد و فلج شد می‌مرد یا زنده می‌ماند. و سؤال دیگری که یکی از حضار پرسید این بود که آیا شهرت فعلی او می‌تواند در کارهایش تأثیر بگذارد؟ چنین بلایی بر سر کسان دیگری نیز در ایران آمده است که صدایش را در نیارده‌اند. ما خبر نداریم از احوال آنان (صیامی می‌گوید). اما افشین اگر اکنون در جایی هست که می‌بینیم، به علت آن عشقی است که از خانواده گرفته است، آن آزادی که از گوناگونی عقاید در خانواده به او رسیده است، از آن مهری که والدین ایثار می‌کنند و همه‌ی زندگی را برای معالجه‌ی او می‌فروشند. بالطبع این عشق و مهر و آزادی را افشین از کودکی در زندگی روزمره‌اش دریافت کرده است. عشق و آزادی که در خود آموزش اتکاء به نفس را و امید را نیز به همراه دارد. افشین اگر افلیج نمی‌شد کماکان نقاشی قابل‌ی می‌شد. اما نقاشی‌هایش عناصر دیگری را در برمی‌گرفت. به شکل دیگری و با حجم و بار و درد و خشونت کمتری. نقاشی‌های او اکنون بازتاب خشونت جنگ و زور و محدودیت و دست بسته بودن و

**نقاشی‌های برهنه‌ی افشین ناغونی:
بازتاب خشونت‌ها و تضادهای جامعه**



گفت و گویش با حضار پس از نمایش فیلم از طریق اسکایپ مطرح می‌کرد، این دیدگاه وجود دارد که ناتوانی جنسی به دلیل از کار افتادن نخاع سبب شده است که نقاشی زن‌های عریان جزء کارهای مورد علاقه‌اش باشد. به اعتقاد من اگرچه این امر نیز می‌تواند تأثیر در کارهای افشین ناغونی گذاشته باشد، اما این بیش از یک جنبه است. می‌تواند از جانب کسانی مطرح شده باشد که سکس را مهم‌ترین مسئله می‌دانند و نه فقط بخشی از زندگی. مادر کشورهای غرب که محدودیت‌های سکسی بسیار کمتر است، می‌بینیم که برخی افراد گاهی سال‌ها به دنبال روابط جنسی نیستند. کارهای هنری آنها می‌تواند حرف اول را بزند یا سرمایه‌اندوزی، یا مسافرت، نگارش خاطرات و... افشین خود می‌گوید وقتی فلج شد مهم‌ترین مسئله برای من این بود که نتوانم دست‌انمانی نقاشی را نداشته باشم. اگر ناتوانی جنسی عامل نقاشی زنان برهنه می‌بود، این سؤال مطرح می‌شود که چرا زنان را این گونه نگران و مضطرب و گاهی خشمگین یا مردود و خلاصه با ده‌ها ذهنیت تلخ ترسیم می‌کنند. زنی که عریان است و جنبه زده بر زمین به خود می‌پیچد

جنگ. مدت‌ها با خانواده بی‌خانمان بوده‌اند. هزار مشکل داشته‌اند که جا بیافتند. و بار دیگر زمان نیست که ناگزیر به دیار غرب می‌رود. در آنجا فرصت‌های بهتری برای بهبود دارد. ولی یک مهاجر است. غریب است، فلج است. بی پول است. اینها همه نقش دارند در آفرینش کارهایی که ارائه داده است و شاید بیشتر از هر چیز این مصیبت سقوط. می‌میری و زنده می‌شوی. مرده بودی یک جورهایی و حالا قدر زندگی را می‌دانی. زندگی را بیشتر از مرگ دوست داری و آن چنان نقش می‌زنی بر این سرنوشت که سرنوشتات را حالا دیگر خودت می‌نویسی.

این نقاش که تجربه‌های تلخ زندگی‌اش را مصور کرده است، خود را در کنار هنرمندانی چون فریدا و لائیک، لامذهب بزرگ می‌شود بدون آنکه چندان مشکلی بین آنها به وجود آمده باشد. جایی که هر کس جای خود را دارد. آزادی عمل‌اش در نقاشی به گمانم ریشه در این امر دارد و آن گونه که پس از سقوط از طبقه‌ی ششم خانواده از او مراقبت می‌کنند نیز از جنبه‌ی دیگر شخصیت او را می‌سازد. شخصیتی مهربان که مصیبت‌های جهان او را همواره تحت تأثیر قرار می‌دهد. دو بار مهاجرت کرده است. یک بار از خوزستان به تهران برای فرار از

اولیه را ندارد و هنوز خیلی کارها را توسط دستیار انجام می‌دهد، اما کار اصلی را پیش می‌برد. این کار اصلی بازتاب حس‌هایی‌ست از تمام دوران زندگی از طریق نقاشی: دوران نوجوانی در اهواز و بمباران دائمی خانه‌ها در هنگام جنگ ایران و عراق، مهاجرت به تهران برای فرار از جنگ، آنگاه سقوط از طبقه‌ی ششم، مداوای چندین ساله در ایران، مهاجرت به لندن، زندگی سخت با دست فلج و زرد و آبی از طرف دیگر در طرح‌های زنان برهنه، سرباز با چهره‌ی شطرنجی، و قدم‌های پای رهوار، تاریکی‌های زندگی را از یک سو و روشنایی‌هایش را از جانب دیگر منعکس می‌کند؛ این آثار بازتابی هستند بسیار گویا از رنج‌های تجربه شده‌ی هنرمند از دوران نوجوانی در خوزستان جنگ‌زده، ممانعت‌های مداوم مامورین برای جلوگیری از آزادی‌های فردی و اجتماعی، مهاجرت‌های داخل کشوری و خارج، و چالش‌های سال‌ها رنج ناشی از دست دادن نخاع و فلج اعضای بدن و... از سر گرفتن زندگی. این فیلم که از طریق «پلان / pelan» در ونکوور به نمایش گذاشته شد، جوایزی را برده است و نقاشی‌های افشین ناغونی به عنوان یک هنرمند بین‌المللی هم اکنون در تمام دنیا با قیمت‌های کلان در گالری‌ها، در حراجی‌های آثار هنری، و از طریق کلکسیونرها و ثروتمندان ایرانی و غیر ایرانی خریداری می‌شود.

سقوط از طبقه‌ی ششم

در یک جمع با چند دختر و پسر جشنی دوستانه برپا کرده‌اند که ماموران به در می‌کوبند. هراس بر همه مستولی می‌شود. به پشت بام می‌گریزند. افشین پایش را بر روی سقف شیشه‌ای یک پاسیو می‌گذارد. شیشه می‌شکند و افشین از ۶ طبقه به پائین سقوط می‌کند. دوستانش گرد او جمع می‌شوند. به زحمت صدایی از دهانش خارج می‌شود و آنها متوجه می‌شوند که او زنده است. در بیمارستان به مدت سه روز بیهوش است و پس از آن با درد شدید وقتی به هوش می‌آید یک حلقه‌ی آهنی دور سرش محکم بسته‌اند. نخاع‌اش به شدت آسیب دیده است. سه سال بین مرگ و زندگی به سر می‌برد. مدتی در ایران زندگی می‌کند. آنگاه والدین خانه و ماشین و هر چه دار و ندار را می‌فروشند تا وی را برای معالجه به لندن بفرستند. سال‌ها با فیزیوتراپی مداوم بر ناتوانی جسمی خود به تدریج غلبه می‌کند. مدت‌ها نمی‌تواند نقاشی کند. اما تصمیم گرفته است که چیره شود بر آنچه که به سر او آورده‌اند. دوستی یک قالب برای دستش تهیه می‌کند به گونه‌ای که قلم مو بتواند در آن جای بگیرد... بالاخره پیروز می‌شود و دستش اگر چه کماکان کاملاً کارکرد

بهمن شهید ثالث؛ فیزیکدانی با نت‌های بتهوون



«برای دیدن ویدئو، روی عکس کلیک نموده و یا به سایت کیهان لندن مراجعه نمایید.»

سریال معمای شاه: پروژه‌های ۲۰ میلیارد تومانی برای تحریف تاریخ



«برای دیدن ویدئو، روی عکس کلیک نموده و یا به سایت کیهان لندن مراجعه نمایید.»

تاریخ و فرهنگ ایران در دالاس شاهین نژاد نویسنده و پژوهشگر

لغو مجوز هفته‌نامه «یالثارات»



مگر آن زن مفلوک، همپالکی سابق همین شخص نبود که شب‌هنگام لخت و عریان در محله‌های لندن ظاهر شد و مورد تجاوز سه تن از او باش انگلیسی قرار گرفت و هم‌اینک روحانی، همپالکی همان «بدرت از فاحشه معروفه در دنیا» را می‌خواهد بر گردن زنان ما مسلط کند به نام خانم معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده!»

چاپ این مطلب نامتعارف و زننده واکنش معاون امور زنان ریاست جمهوری ایران را در پی داشت اما علی جنتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی هفتم دی ماه خبر داده بود که پرونده این نشریه هفته جاری در هیات نظارت بر مطبوعات بررسی می‌شود. اوایل دی ماه ارگان انصار حزب‌الله در مطلبی با عنوان «دیوار شکسته و زن سلیطه» با انتقاد از سیاست‌های دولت حسن روحانی نوشته بود: «از دیدگاه دینی و اخلاقی، جمهوری فاسق، قبیح‌ترین و نارواترین کار آن است که عده‌ای امر به معروف را علیه زنان لابلالی و بی حیا و بی حجاب به کار گیرند. حرف ثابت او همان است که اخیراً آن زن فمینیست عضو ارشد تشکیلات برانداز و منحل شده مشارکت ابراز داشت: دولت با برخورد با زنان (ولو با عریانی کامل آشکار شوند) مخالف است. البته این زن کذایی در ادعای خود صادق است و

هیات نظارت بر مطبوعات در جلسه روز دوشنبه ۱۴ دی ماه، پروانه انتشار هفته‌نامه «یالثارات» را لغو کرد. پروانه این هفته‌نامه با توجه به تبصره ۲ ماده ۶ قانون مطبوعات لغو شده است. هفته‌نامه «یالثارات» ارگان انصار حزب‌الله در دو شماره اخیر خود مطالبی توهین‌آمیز علیه معاون امور زنان رییس جمهوری اسلامی ایران منتشر و او را «همپالکی» یک فعال حقوق زنان معرفی کرده بود.



شهبندخت مولاوردی نشریه «یالثارات» ششم دی ماه به باز نشر مطلبی پرداخت که مورد اعتراض شهبندخت مولاوردی قرار گرفته بی‌الثارات و از او خواست اگر از توهین‌های این نشریه به «همپالکی»‌های خود ناراحت است به نزد آنها به لندن برود. پس از آن حسین‌الله کرم دبیر

ویدئو

دکتر بهمن شهید ثالث رهبر ارکستر، آهنگساز و بنیانگذار ارکستر بولدر امریکاست. او اگرچه در نزد هموطنانش هنرمندی ناشناخته است ولی چهره‌ای معروف در عرصه موسیقی جهان محسوب می‌شود. ضمن اینکه پسرعموی سهراب شهید ثالث آغازگر موج نوی سینمای ایران و یکی از برترین فیلمسازان ایران نیز هست.

ویدئو

هر سال در روزهای نزدیک به سالگرد انقراض رژیم سلطنتی تلو بیژن جمهوری اسلامی به پخش برنامه‌هایی به اصطلاح مستند و سریال‌هایی با هدف سیاه‌نمایی دوران سلطنت پهلوی‌ها در ایران اقدام می‌کند. امسال نیز سیمای جمهوری اسلامی به پخش سریالی با عنوان «معمای شاه» مبادرت ورزیده که افزون بر تحریف تاریخ، سرشار از سوئی‌هایی است که شبکه‌های اجتماعی مورد تمسخر قرار گرفته است.

کشف حجاب: یک اصلاح انقلابی مهرِ رخشان را نشاید گفت نورانی نبود!



پروین اعتصامی و محمدرضاشاه پهلوی (ولیعهد)،
کتابخانه دانشسرای عالی ۱۳۱۶

گنج عفت

زن در ایران، پیش از این گویی که ایرانی نبود
پیشه‌اش جز تیره‌روزی و پریشانی نبود
زندگی و مرگش اندر کنج عزلت می‌گذشت
زن چه بود آن روزها، گر زن که زندانی نبود
کس چو زن، اندر سیاهی قرن‌ها منزل نکرد
کس چو زن، در معبد سالوس قربانی نبود
در عدالتخانه‌ی انصاف، زن شاهد نداشت
در دبستان فضیلت، زن دبستانی نبود
دادخواهی‌های زن می‌ماند عمری بی‌جواب
آشکارا بود این بیداد، پنهانی نبود
بس کسان را جامه و چوب شبانی بود، لبیک
در نهاد جمله گرگی بود، چوپانی نبود
از برای زن به میدان فراخ زندگی
سرنوشت و قسمتی، جز تنگ میدانی نبود
نور دانش را ز چشم زن نهان می‌داشتند
این ندانستن ز پستی و گران‌جانی نبود
زن کجا بافنده می‌شد بی‌نخ و دوک هنر
خرمن و حاصل نبود آنجا که دهقانی نبود
میوه‌های دک‌ی دانش فراوان بود، لبیک
بهر زن هرگز نصیبی زین فراوانی نبود
در قفس می‌آرمید و در قفس می‌داد جان
در گلستان، نام از این مرغ گلستانی نبود
بهر زن، تقلید تیه فتنه و چاه بلاست
زیرک آن زن کاو رهش این راه ظلمانی نبود
آب و رنگ از علم می‌بایست شرط برتری
با زمرد یاره و لعل بدخشانی نبود
جلوه‌ی صدپرنیان، چون یک‌قبای سادانسیست
عزت از شایستگی بود، از هوسرانی نبود
ارزش پوشنده، کفش و جامه را ارزنده کرد
قدر و پستی، با گرانی و به ارزانی نبود
سادگی و پاک‌ی و پرهیز، یک یک گوهرند
گوهر تابنده، تنها گوهر کانی نبود
از زر و زیور چه سود آنجا که نادان است زن
زیور و زر، پرده‌پوش عیب نادانی نبود
عیب‌ها را جامه‌ی پرهیز پوشانده‌ست و بس
جامه‌ی عجب و هوی، بهتر ز عریانی نبود
زن سبکساری نبیند تا گران سنگ است و پاک
پاک را آسبیبی از آلوده دامانی نبود
زن چون گنجور است و عفت، گنج و حرص و آزدزد
وای اگر آگه از آیین نگهبانی نبود
اهرمن بر سفره‌ی تقوی نمی‌شد میهمان
زان که می‌دانست کان‌جا، جای مهمانی نبود
پا به راه راست باید داشت، کاندز راه کج
توشه‌ای و رهنمودی، جز پشیمانی نبود
چشم و دل را پرده می‌بایست، اما از عفاف
چادر پوشیده، بنیاد مسلمانی نبود
خسروا، دست توانای تو، آسان کرد کار
ورنه در این کار سخت، امید آسانی نبود
شه‌نمی‌شد گرد این گمگشته‌کشتی ناخدای
ساحلی پیدا از این دریای طوفانی نبود
باید این انوار را پروین به چشم عقل دید
مهر رخشان را نشاید گفت نورانی نبود

الاهه بقراط - درباره «کشف حجاب» سخن بسیار رفته است. البته هیچ تحریف‌گر سازمان‌یافته‌ای به ویژه درباره تاریخ معاصر ایران به اندازه دم و دستگاه عریض و طویل جمهوری اسلامی در این زمینه فعال نبوده است. تحریفی که گاه با پای چوبین استدلال برخی «روشنفکران» و سیاسیون نیز همگام شده است. مانند این «استدلال»: «کشف حجاب» از «بالا» بود! تو گویی اساسا هیچ اصلاحی از «پایین» هم امکان‌پذیر است! «پایین» فقط می‌تواند انقلاب بکند که کرد تا این بار نه تأمین حقوق زنان بلکه زیر پا نهادن آن و «تحمیل حجاب» از «بالا» انجام شود! با این تفاوت که برعکس هدف و تفکر خواستاران و مدافعان حجاب در جمهوری اسلامی، «کشف حجاب» و به در آمدن زن ایرانی از زیر چادر و چاقچور سیاه قرون، بر بستر جنبش و درخواست زنان پیشرو و آگاهی انجام شد که از دوران قاجار به حرکت در آمده بود و در خود دربار با زنتی چون تاج‌السلطنه دختر ناصرالدین شاه و در جامعه با چهره‌هایی مانند قره‌العین و همه زنانی که برای آموزش و پرورش زنان و تأسیس مدارس دخترانه تلاش می‌کردند بازناب می‌یافت. زنتی که چادر و چاقچور و روبنده را درست مانند ایرج میرزا معنی در راه رشد نییمی از جامعه می‌دانستند و رضاشاه نیز کاری جز همراهی با آنها و پاسخ به مطالبه‌ی آنان نکرد. همان مطالبه‌ای که جمهوری اسلامی پس از یک «انقلاب» همچنان به آن بی‌اعتنایی می‌کند! کشف حجاب یک اقدام و اصلاح انقلابی در یک جامعه سنتی و به شدت خرافی و مذهبی بود که از استبداد قاجاری و مناسبات ارباب و رعیتی به ارث مانده بود. زنان آگاه و روشنفکران آن دوران به همان اندازه در سال ۱۳۱۴ آماده پذیرش کنار نهادن حجاب سنتی و مذهبی بودند که زنان ناآگاه و روشنفکران دوران انقلاب ۵۷ آمادگی خود را برای پذیرش حجاب تحمیلی اعلام کرده و در برابر اقلیتی آگاه که علیه حجاب در روز ۱۷ اسفند ۱۳۵۷ (۸ مارس ۱۹۷۹) تظاهرات کردند، تمام قد ایستادند و آنها را «ضدانقلاب» نامیدند. اینان در تمام سال‌های بعد نیز، حتی تا به امروز، به توجیه «حجاب» پرداخته و می‌پردازند، فقط با این تفاوت که در برابر حجاب اجباری که از «بالا» تحمیل شده است به تبلیغ «حجاب اختیاری» از «پایین» ارتقاء تفکر یافته‌اند!

در این میان در برابر همه تحریفات که صورت می‌گیرد و همه توجیهات معلولی که متأسفانه از سوی برخی زنان نیز علیه تاریخ و به در آمدن زنان از زیر حجاب سیاه صورت می‌گیرد چه شهادی گویاتر از زبان شاعرانه‌ی زنی آگاه درباره کشف حجاب، که خود در همان دوران به سر می‌برد و از نزدیک با مسأله حجاب و موقعیت زنان در آن تاریخ درگیر بود: پروین اعتصامی...

عوامل اصلی آلودگی هوای تهران و راه‌های مبارزه با آن



نیست و سال‌هاست که شهروندان و دولتهای مختلف هم در حل آن تهرانی با آن دست به گریبان بوده ناتوان بوده‌اند.

شکار و شکارچی: حیواناتی که از نفس می‌افتند و شکارچینی که طبیعت منبع در آمد آنهاست!

کارشناس محیط زیست عنوان کرده بود طی سال‌های اخیر جمعیت حیات وحش در مناطق آزاد به کلی از بین رفته و حتی در برخی مناطق حفاظت شده نیز تنها ۵ تا ۱۰ درصد از جمعیت حیات وحش باقی مانده است. این در حالیست که طبق کنوانسیون تجارت بین‌المللی گونه‌های حیوانی و نباتی حیات وحش در معرض خطر انقراض در سال ۱۹۷۷، غیر قانونی است. در ایران نیز برای شکارهای غیرقانونی لیست بلندی از انواع جرمه تصویب شده است. جرمه‌هایی که نتوانسته از روند رو به افزایش شکارهای غیرمجاز بکاهد.

فراوند شکارهای غیرقانونی در کنار صدور بی‌برنامه مجوز شکار از سوی سازمان محیط زیست ایران در حالی صورت می‌گیرد که بنا بر آمارها، شش هشتم گونه‌های جانوری ایران در حال انقراض هستند. سازمان محیط زیست ایران یک هزار و ۱۴۰ گونه جانوری اعم از پستاندار، پرنده، خزنده، دوزیست و ماهیان آب‌های داخلی را در کشور شناسایی کرده است. از این گونه‌ها می‌توان به ۱۹۷ گونه پستاندار، ۵۲۵ گونه پرنده، ۲۲۷ گونه خزنده، ۲۱ گونه دوزیست و ۱۶۰ گونه ماهیان آب‌های داخلی اشاره کرد. از این تعداد حدود ۷۶ گونه از رده‌های جانوری ایران در فهرست قرمز اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت (IUCN) قرار دارند که این گونه‌ها شامل ۱۹ گونه از پستانداران، ۲۵ گونه از پرندگان، ۱۶ گونه از

«وشنگ آسترکی» - وقتی کلمات شکار و شکارچی را در شبکه‌های اجتماعی جستجو می‌کنید با گروه‌ها و صفحاتی روبرو می‌شوید که اکثر آنها تلاش در حفظ حیات وحش و جلوگیری از روند افزایش شکار حیوانات در ایران دارند. شاید گسترده‌ترین فعالیتی که در شبکه‌های اجتماعی برای حفظ حیات وحش انجام شده است، تلاش در جلب افکار عمومی نسبت به کشتار یوزپلنگ ایرانی باشد. همچنین صدور حکم اعدام برای محیطبان یاسوجی که در حین تعقیب شکارچیان غیرمجاز ناخواسته باعث مرگ یکی از آنها شد. این فعالیت‌ها توانست افکار عمومی را به بحث شکار و در خطر نابودی قرار گرفتن حیات وحش حساس کند، اما مطمئنا چاره دردی برای این مسأله نبود چرا که مجوز شکار از یک سازمان دولتی صادر می‌شود که خود همان سازمان مسوول حفاظت از حیات وحش است؛ سازمانی که به گفته بسیاری از فعالان محیط زیست وظیفه خود را به درستی انجام نمی‌دهد: «سازمان حفاظت از محیط زیست».

در واقع شکار بی‌رویه به یکی از تهدیدهای جدی محیط زیست ایران تبدیل شده است. سیزدهم دی ماه گزارشی در خبرگزاری مهر منتشر شد که از فروش لاشه‌انواع پرندگانی که به طور غیر مجاز شکار شده‌اند در بازار اهواز و در چندصد متری سازمان محیط زیست خبر می‌داد. در این گزارش آمده است: «کافی است از اداره کل محیط زیست استان خوزستان ۳۰۰ تا ۴۰۰ متر فاصله بگیرید. از همان محل اداره هم می‌شود بازار را دید. بازاری که در آن انواع مرغابی، پرندگان مهاجر و حتی فلاینگوها به انتظار خریداران نشسته‌اند. مسموم و بی‌جان توی سینی به انتظار مشتری. تازه این پرندگان توی سینی شمار کمی از پرندگان جان باخته را شامل می‌شوند. بلافاصله پس از اینکه اینها به فروش بروند، پرندگانی که در زنبیل‌ها و گونی‌های بزرگ اطراف قرار داده شده‌اند به روی سینی منتقل می‌شوند».

این گزارش در حالی منتشر شده است که سازمان حفاظت از محیط زیست مدعی است در هشت ماهه اول امسال بیش از ۵۰۰ مورد دستگیری شکارچیان متخلف و غیرمجاز داشته است.

اگر از جنوب کشور به شمال آن برویم، می‌بینیم وضعیت شکار غیر مجاز در ایران یک روی سکه است و روی دیگر آن، صدور بی‌رویه مجوزهای شکار است. همزمان با فروش پروانه شکار پرنده توسط سازمان حفاظت محیط زیست، گمیشان، آشوراده، میانکاله و بسیاری از تالاب‌های شمالی کشورمان از نخستین روزهای آذر ماه سال جاری آماج حمله شکارچیان قرار گرفته و به صحنه کشتار و خونریزی ده‌ها هزار پرنده مهاجری تبدیل شد که ایران را به عنوان مقصد نهایی یا موقت زمستان گذرانی خود انتخاب کرده بودند. در این مورد نیز سازمان حفاظت از محیط زیست فراقکنی کرده و مدعی است پروانه‌های شکار صادر شده برای شکارچیان جهت مناطق آزاد و خارج از مناطق تحت حفاظت بوده است اما اشاره نکرده که کدام سازمان مسوول کوتاه کردن دست و تفنگ شکارچیان از مناطق محافظت شده است!

چندی پیش روزنامه جهان صنعت در گزارشی که به شکار غیر قانونی پرندگان در شمال ایران اختصاص داشت اعلام کرد تنها در طی دو هفته در آذرماه ۹۴، ۱۶۰ فرزند قایق حامل شکارچیان با سلاح‌های شکاری در آب‌های خلیج گرگان و تالاب بین‌المللی میانکاله مشاهده شدند.

از سوی دیگر دو سال پیش یک



انتظار طولانی برای دریافت پروانه‌ی شکار قانونی در کنار

خزندگان، چهار گونه از دوزیستان و ۱۰ گونه از ماهیان آب‌های داخلی می‌شوند.

دکتر اسرافیل شفیق‌زاده، فعال محیط زیست نیز معتقد است یکی از دلایل اصلی گسترش روند رو به توسعه شکار بی‌رویه، بی‌برنامگی سازمان حفاظت از محیط زیست در ارتباط با صدور پروانه‌هایی است که می‌تواند منوطاً در برخی مناطق صادر کند. وقتی علاقمندان به شکار در صف‌های طولانی‌مدت صدور پروانه قرار می‌گیرند و امکان داشتن مجوز قانونی به آنها داده نمی‌شود، بی‌شک شکار غیر مجاز افزایش خواهد یافت.

واقعیت اینست که با روی کار آمدن دولت حجت‌الاسلام حسن روحانی و انتصاب معصومه ابتکار به عنوان رییس سازمان حفاظت از محیط زیست بسیاری امیدوار بودند که این سازمان جانی دوباره بگیرد و بتواند در راه حفظ محیط زیست و حیات وحش اقدامات موثری داشته باشد. اما عملکرد دو سال و نیمه این سازمان نشان می‌دهد نه تنها در صدور پروانه‌های شکار بی‌برنامگی داشته بلکه هیچ سیاست مدون و مشخصی برای حیات وحش وجود ندارد. برای نمونه اواخر تابستان و با حساس شدن افکار عمومی نسبت به وضعیت حیات وحش ایران، معصومه ابتکار اعلام کرد احتمالاً این سازمان شکار را برای پنج سال ممنوع اعلام خواهد کرد. پس از اعلام این خبر، علی لاریجانی، رییس مجلس شورای اسلامی نیز از سازمان محیط زیست خواست تا برای حفظ گونه‌های جانوری، شکار را برای ۵ سال ممنوع کند. با

ویدئو
لودگی هوای تهران حکایت تازه‌ای

به مناسبت درگذشت شاهدخت اشرف پهلوی

پیام شاهزاده رضا پهلوی

هفدهم دی ماه ۱۳۹۴

از درگذشت عمه عزیزم شاهدخت اشرف پهلوی بسیار متأثر و متالم شدم. خاطرات بسیاری از دوران کودکی تا به امروز از ایشان برایم به یادگار مانده است. به ویژه دل نگرانی هایش برای از دست رفتن جایگاه ایران پس از انقلاب اسلامی و نور امیدی که همیشه در قلبش برای آزادی و سربلندی ایران داشت.

ایشان با قلبی آکنده از مهر به وطن در راستای بهبود زندگی اجتماعی مردم و پیشبرد حقوق زنان، رفاه اجتماعی و مبارزه با بیسوادی در ایران و در عرصه بین المللی تلاش های چشم گیری کرد.

وی تا آخرین لحظه های عمر خویش به ایران می اندیشید و با امید به آزادی وطن چشم از جهان فروبست.

روانش شاد و خاطر چهره مهربانش برایم همیشه ماندگار می ماند.

رضا پهلوی



پیام والا حضرت شاهپور غلامرضا پهلوی



هجدهم دی ماه ۱۳۹۴

خواهر عزیزم والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی، دور از ایران اما با قلبی آغشته از عشق به ایران، چشم از جهان فروبست و ما را دچار اندوه بسیار نمود.

شاهدخت اشرف بانویی والا، خواهری مهربان، مادری دلسوز و ایرانی مبارز و فداکار بود. نقش والای شاهدخت اشرف در مبارزه با بیسوادی، سازمان خدمات اجتماعی، سازمان زنان، کمیسیون سالانه حقوق زنان در سازمان ملل متحد و سازمانهای دیگر و احقاق حقوق زن ایرانی و اساسا در دفاع از منافع ایران بسیار نمایان و شایسته است.

پس از شورش ۱۳۵۷ با اطمینان میتوان گفت که او بیش از هر ایرانی دیگری به خانواده امرا و سربازان ارتش شاهنشاهی ایران و سازمانها و گروههایی که در راه آزادی ایران می کوشند کمک و یاری نمود. او لحظه ای از مبارزه با دشمنان ایران بازنایستاد و دوشادوش او فرزنداناش، والا گوهر شهریار شفیق و والا گوهر آزاده شفیق تا جان در بدن داشتند برای رهایی و آزادی ایران جنگیدند. درگذشت خواهرم والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی را به اعلیحضرت رضا شاه دوم، علیاحضرت شهبانو، خواهرزاده عزیزم والا گوهر شهرام و مبارزین راه رهایی ایران تسلیت میگویم.

غلامرضا پهلوی

و دانش بشری است و افراد بسیاری چه در ایران و چه در خارج از کشور می توانند از امکانات این دانش اندوزی

داشت و سفرهای متعدد وی به کشورهای مختلف و دیدارهایش با رهبران و شخصیت های بنام سیاسی چون استالین، خروشچف، برژنف، گاندی، تیتو، هیلاسلاسی، جواهر لعل نهرو، بوتو، جان کندی، چائوشسکو و سوهارتواز آن جمله است. او نخستین شخصیت ایرانی بود که در سال ۱۹۷۱ به طور رسمی به چین کمونیست سفر کرد و با رهبران این کشور درباره پایه گذاری دوران جدید روابط ایران و چین به مذاکره پرداخت.

والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی به دنبال یک بیماری طولانی که چندین سال او را ناتوان و زمین گیر ساخته بود، درگذشت. شاهدخت اشرف پهلوی چهارمین فرزند رضاشاه و خواهر توأم اعلیحضرت محمد رضاشاه بود. او در چهارم آبان ۱۲۹۸ خورشیدی در تهران تولد یافت. پس از اتمام تحصیلات متوسطه و فراگیری دو زبان خارجی (فرانسه و انگلیسی) به خدمات عام المنفعه علاقمند



در دیدار با برژنف



در دیدار با سران اتحاد شوروی در دوران خروشچف



در سفر به چین کمونیست در دیدار با چوئن لای

از افسران نیروی دریایی ارتش بود در پاریس توسط عوامل رژیم تازه به قدرت رسیده در ایران به قتل رسید و آزاده نیز که تا آخر عمر علیه جمهوری اسلامی فعالیت می کرد در سن ۶۰ سالگی بر اثر بیماری سرطان در غربت درگذشت.

عمومی سازمان ملل متحد بخشی از کارنامه اجتماعی و سیاسی وی را تشکیل می دهد. یادآوری این نکته ضروری است که شاهدخت اشرف همان قدر که به امور خیریه و نیکوکاری عشق می ورزید به امور سیاسی نیز علاقه

شد و طی سالها، در عهد سلطنت پدر و برادرش، سازمانهای متعددی را در زمینه امور فرهنگی و نیکوکاری سازماندهی و سرپرستی کرد. درگذشت وی در هفدهم دی ماه مصادف است با سالگرد



در مسند ریاست کنفرانس حقوق بشر در تهران



شاهدخت اشرف پهلوی و اردشیر زاهدی



به همراه هیئت امنای سازمان شاهنشاهی در ملاقات با پادشاه فقید

زنان شاخص

گلی عامری



گلی عامری در ایران زاده شد و حدود پنج سال پیش از انقلاب ایران به آمریکا آمد تا تحصیلات خود را در دانشگاه استنفورد ادامه دهد.

وی پس از اتمام تحصیلات عالی به دنیای تکنولوژی و سپس سیاست روی آورد و در ماموریت‌هایی که در دوره دوم ریاست جمهوری جورج دابلیو. بوش در سازمان ملل متحد بر عهده داشت، در چارچوب حقوق بشر و به ویژه حقوق بشر زنان فعالیت‌های گوناگونی انجام داد.

در سال ۲۰۰۴ میلادی از سوی جورج دابلیو. بوش به سمت یکی از سه عضو هیئت نمایندگی دولت آمریکا در شصت و یکمین نشست کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد برگزیده شد. گلی عامری در یازدهم ماه مه سال ۲۰۰۸ میلادی، جایزه «الیس آیلند» را در نیویورک دریافت کرد. این جایزه همه ساله به کسانی اهدا می‌شود که با استفاده از تجربیات و دست‌آوردهای شخصی خود به

چند راه زیبایی برای مادران گرفتار

را خریداری کنید، حتما نتیجه فوق العاده ای خواهد داد. بسیاری از مردم مدعی هستند که با استفاده از شامپوی مخصوص موهای خشک حتی دو یا سه روز از شستشو و رسیدگی به موهایشان معاف شده‌اند.

۳- آماده کردن لباس هایتان از شب قبل

آسان ترین راه این است که تمام روز را با سوییشرت یا جوراب های ناجور بگذرانید، چرا که آنقدر خسته

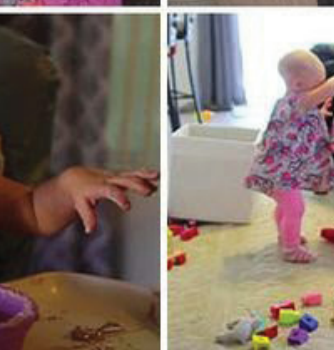


دوش گرفتن در شب به شما کمک می کند تا رطوبت موها باعث تابیدن و حالت گرفتن آنها شود، معمولا دوش های شبانه علاوه بر ایجاد آرامش و دور کردن استرس روز، موها را با موج های زیبا و غیرمنظره ای زینت می بخشد. حداقل کاری که دوش شبانه برای شما می کند این است که صبح موی حالت دار را پشت سر خود گره می زیند و مجبور نیستید با موهای خیس تمام روز را بگذرانید.

۱- دوش گرفتن در شب

۲- انتخاب یک شامپوی موهای خشک

اگر دوش شبانه را راهی برای رسیدن به موهایی زیبا نمی دانید، پس شامپوی مخصوص موهای خشک برای شما ساخته شده است. اگر در برند محبوب خود این شامپو



خشک کردن لباس در خانه و بیماری

در این فصل که باران و برف مانع خشک شدن لباس‌ها در فضای آزاد می شود برخی افراد درون فضای منزل این کار را انجام ندهند و موجب بیمار شدن اعضای خانواده نشوند. مطالعات حاکی از آن است که بخار ناشی از خشک کردن لباس‌های شسته‌شده برای سلامتی افراد مضر است. گزارش شده است که یکی از افرادی که این هشدار را نادیده گرفته است به عفونت ریه مبتلا شده است و به علت دچار شدن به قارچ‌هایی که به سبب خشک کردن لباس روی شوفاژ در اتاق پذیرایی در بدن او بوجود آمده‌اند او را با مشکلات ریوی شدیدی روبه‌رو شده است.

این فرد نمونه‌ای از هزاران هزار نفر است که به علت خشک کردن لباس‌هایشان در فضای داخلی خانه و با استفاده از وسایل گرمایشی دچار مشکلات متعددی شده است. متخصصان هشدار داده‌اند که خشک کردن تازه لباس‌های شسته‌شده با استفاده از وسایل گرمایشی در داخل لوازم خانگی، درجه رطوبت داخل خانه را تا ۳۰ درصد افزایش می‌دهد و دمای بسیار مناسبی را برای رویش قارچ‌ها بوجود می‌آورد.

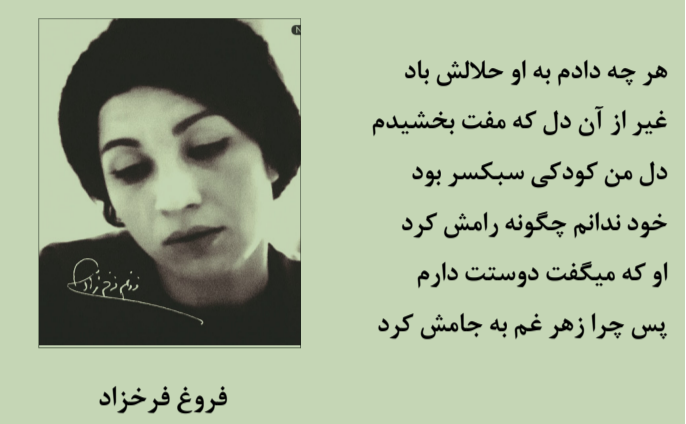
برای جلوگیری از این مشکل، متخصصان توصیه می‌کنند که لباس‌های شسته‌شده را در فضای باز خشک کنید. اگر این امکان برای شما وجود ندارد، می‌توانید از وسایل گرمایشی در فضای داخلی استفاده نکنید و به جای آن، از وسایل گرمایشی در فضای باز استفاده کنید.

۵- کمی زودتر بیدار شوید

روشی را پیدا کنید که بیش از هر چیزی زیبایی را در شما پدید آورد. به طور مثال ممکن است شما با صبح زود بیدار شدن خواب را از خود دور می کنید و از کسالت و تنبلی فاصله می گیرید و اینگونه زیبایی را به خودتان نزدیک کنید. اینگونه شاید بیشتر احساس آمادگی می کنید تا روز را همزمان با بیدار شدن فرزندتان شروع کنید. پس متأسفانه باید ساعت را یک ساعت زودتر از همیشه کوک کنید و ببینید چقدر در افزایش خلق و خوی مثبت در شما موثر خواهد بود. این روند مثبت قطعاً به سوی زیبایی شما پیش می رود. مهمتر از همه این است که هر وقت احساس خستگی کردید به رختخواب بروید، به یاد داشته باشید شما به تنهایی مسئول نگهداری از فرزندتان نیستید. شما می‌توانید برای یافتن راه‌های بیشتر مراقبت از خودتان بیشتر به علاقه واقعی تان روی آورید، گوش دادن موسیقی مورد علاقه تان یا معاشرت با کسانی که دوستشان دارید می‌تواند در زیبایی درونی شما موثر باشد و باعث بروز شادابی در چهره شما شود. سعی کنید در الویت‌بندی زندگی تان، مراتب نخست را برای سلامت روحی و جسمی خود بگذارید.

پزشکان برای رفع مشکل غیغب کسانی که حساسیت زیادی در این زمینه نشان می‌دهند عمل‌های جراحی ساکشن یا کشیدن چربی را انجام می‌دهند که از آنها می‌توان از لیزر لیپولیز نام برد. متخصصان این امر می‌گویند لیزر لیپولیز نوعی فناوری کاهش چربی‌های موضعی است که تا حد زیادی مشکلات ساکشن با فناوری قدیمی‌تر را به دنبال ندارد و به سبب تاباندن لیزر که باعث تحریک کلژن می‌شود، پوست به جای شل شدن سفت می‌شود و تورم یا کبودشدگی کمتری هم نسبت به شیوه‌های قبلی دارد.

در این روش پس از یک بی‌حسی موضعی، سوراخی کوچک و چند میلیمتری در قسمتی که قرار است چربی‌ها کشیده شود ایجاد می‌شود و با وسیله‌ای به نام کانولا سلول‌های چربی در معرض تابش لیزر قرار می‌گیرد. در نتیجه این



هر چه دادم به او حلالش باد
غیر از آن دل که مفت بخشیدم
دل من کودکی سبکسرد بود
خود ندانم چگونه رامش کرد
او که میگفت دوستت دارم
پس چرا زهر غم به جامش کرد

فروغ فرخزاد

روشایی موثر برای از بین بردن شیب

و اضافه وزن به طور کلی می‌شود و اثر آن بر غیغب نیز هویدا می‌شود. به همین دلیل متخصصان کنونی معتقدند اصلاح سبک زندگی و بویژه عادات غذایی فرد در کاهش تمایل به مصرف خوراکی‌هایی با درصد زیاد چربی و شیرینی می‌تواند به کاهش غیغب نیز بینجامد.

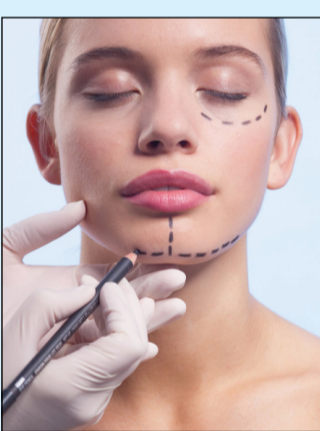
تمرین و راهکار ورزشی

شاید بتوان گفت بی‌خطرترین نوع کاهش غیغب تمرین‌هایی است که در خانه هم می‌توان انجام داد. برای این منظور می‌توان تمرین‌های ورزشی زیر را انجام داد: ۱- در حالی که در وضعیت ایستاده قرار دارید سر خود را صاف نگاه دارید. می‌توانید جلوی آینه بایستید تا با نگاه به آینه در وضعیت مناسب‌تری قرار گرفته باشید. اکنون زبان خود را در حالی که می‌کشید آن را به چانه برسانید کاملاً خارج کنید و ۲۰ تا ۳۰ ثانیه در همین حالت نگاه دارید. زبان را به دهان برگردانید و به آن استراحت دهید. ۴۰ ثانیه بعد مجدداً این کار را تکرار کنید. این تمرین در هر روز باید چهار تا پنج مرتبه انجام گیرد تا کم‌کم چربی‌های غیغب در ناحیه فک وادار به عقب‌نشینی شود و به زیبایی چهره شما کمک کند.

عمل، سلول چربی حالت سفتی خود را از دست می‌دهد و به مایع تبدیل می‌شود که در جریان عمل به وسیله ساکشن خارج شده، باقیمانده نیز از طریق سوخت و ساز خود بدن از بین می‌رود. وقتی این وسیله در قسمت غیغب به کار برود، بالطبع چربی‌ها خارج شده و بزرگی غیغب کاهش می‌یابد. البته پیش از انجام آن باید وضعیت پوست بررسی شود.

تغذیه و روش‌های سنتی

طب سنتی از دیرباز برای اشخاصی که این حالت را در صورت خود ناخوشایند می‌پندارند



پرهیز از مصرف برنج را توصیه کرده است.

کسانی هم بوده‌اند که توصیه به مصرف نان و برنج سبوس‌دار کرده‌اند زیرا بر اساس طب سنتی سبوس باعث شکسته شدن مولکول‌های چربی و جلوگیری از جمع شدن چربی در یک موضع خاص به‌خصوص در قسمت غیغب می‌شود. در میان حکمای قدیم، این سینا نیز بر این باور بوده است که استفاده از حمام خشک باعث سوختن سریع‌تر چربی می‌شود و می‌تواند در روند سوزاندن کالری بر کاهش غیغب نیز اثر بگذارد.

علاوه بر قدما، متخصصان کنونی طب سنتی تمایل بیشتر یا زیاده‌روی برخی افراد در خوردن مواد غذایی شکرदार و پرچرب را نیز عامل پدید آمدن غیغب در چهره می‌دانند. این دو باعث چاقی



مردان شاخص



جمشید دلشاد

جمشید دلشاد معروف به جیمی دلشاد تا ۲۲ مارس ۲۰۱۱ شهردار شهر بوریلی هیلز آمریکا بود. او در ۷ فروردین ۱۳۸۶ به مدت یک سال به مقام شهرداری بوریلی هیلز برگزیده و در اسفند ۱۳۸۸ دوباره به آن مقام انتخاب شد. دلشاد نخستین فرد ایرانی تبار در تاریخ است که به شهرداری یکی از شهرهای آمریکا انتخاب شده است.

دلشاد در شهر شیراز به دنیا آمد و در سال ۱۳۳۸ به آمریکا مهاجرت نمود. در سال ۱۳۵۷ او یک شرکت رایانه‌ای تأسیس کرد و در سال ۱۳۶۹ وی اولین یهودی ایرانی تبار بود که به ریاست کنسرسیای ساینای در لس آنجلس آمریکا انتخاب شد. کنسرسیای ساینای بزرگترین کنسرسیای محافظه کار (کنسرواتو) در جهان است. این معبد قدیمی ترین و بزرگترین معبد گروه محافظه کاران است. علاوه بر آن، معبد ساینای خود دارای ۲ مدرسه است که مجموعاً دارای ۱۰۰۰ دانش آموز می باشد. جیمی دلشاد با وجود آن که



برتری ژنی

افراد نابغه نسبت به دیگران

اخیرا کشف شده است باهوش بودن می تواند ژنتیکی باشد و برخی ژن‌ها در واقع تعیین کننده میزان هوش افراد هستند. مطالعه‌ای که در مجله علوم اعصاب طبیعی در لندن انجام شد گزارش داد که ۲ خوشه ژنی به نام M1 و M2 کشف شده‌اند که این خوشه‌ها می توانند با میزان باهوش بودن افراد و میزان توانایی مغزی آنان همچون حافظه، توجه، سرعت پردازش داده‌ها و قدرت استدلال آن‌ها رابطه داشته باشد. خوشه‌های ژنی M1 و M2 حاوی صدها ژن است که محققان بر این باورند که این ژن‌ها از طریق مرکزهایی در بدن کنترل می‌شوند. محققان امیدوارند با شناسایی این مراکز کنترل بتوانند کنترل این ژن‌ها را به دست بگیرند. نکته جالب این است که این ۱۰۰ ژن خصوصیات و تنظیمات مشترک زیادی دارند و این بدان معنا است که می‌شود تعدادی از آن‌ها را که مرتبط با هوش هستند تغییر داد. برای یافتن این ژن‌های هوش محققان ۱۲۲ نمونه هیپوکامپوس مغز را از بیمارانی که اخیرا به علت بیماری صرع لوب تمپورال تحت عمل جراحی مغز قرار گرفتند جمع‌آوری کردند و ژن‌ها را دسته‌بندی کرده و آن‌ها زیر مجموعه خوشه‌های ژنی M1 و M2 قرار دادند. سپس نتایج بررسی این ژن‌ها را با ماشینی با ژن‌های افراد سالم که هیچگونه سابقه بیماری عصبی و روانی با خشک نداشتند مقایسه کردند. نتایج نشان داد که بسیاری از این ژن‌ها همان ژن‌هایی است که در افراد محل تجمع گرد و غبار است، حتما آن را سالم وجود دارد.

بروز مشکل برای بدن با این اشتباهات

واکنش آرامش بخش بدن را فعال می کند، که مغز هنگامی که در خطر هستید نشانه‌های فیزیولوژیکی از خود بروز می‌دهد، ذخایر کربوهیدرات خالی می‌شود، دمای بدن بالا می‌رود، و سلول‌های عضلانی شکسته می‌شوند.

واکنش آرامش بخش بدن را فعال می کند، که مغز هنگامی که در خطر هستید نشانه‌های فیزیولوژیکی از خود بروز می‌دهد، ذخایر کربوهیدرات خالی می‌شود، دمای بدن بالا می‌رود، و سلول‌های عضلانی شکسته می‌شوند.

مشکل شماره چهار: عرق ریختن هنگام تب

این ایده که با عرق ریختن می‌توانید تب را کنترل کنید کاملا اشتباه است. وقتی احساس سرماخوردگی یا آنفولانزا دارید باید به خود استراحت دهید، اگر آنفولانزا داشته باشید - و هنوز در مراحل اولیه باشد و تشخیص دشوار - ممکن است با اضافه کردن ورزش دچار مشکلات جدی شوید. در طول ورزش خون ۵ برابر سریعتر از حالت طبیعی به قلب می‌رسد، ویروس آنفولانزا در این حالت می‌تواند درون



مشکل شماره دو: مرتب ورزش نمی‌کنید

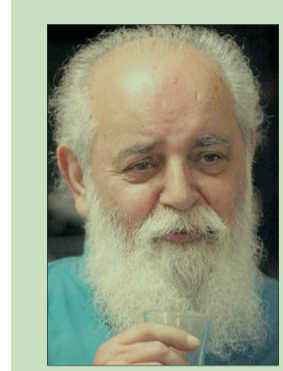
اگر سرما زمستان باعث شده برنامه پیاده روی تان بهم بریزد، باید ترتیبی بچینید که با پوشش مناسب در هوای سرد ورزش کنید و یا عضو یک باشگاه شوید. ۳۰ دقیقه ورزش هوازی با سرعت متوسط مانند پیاده روی متوسط (یا شنا، دویدن و دوچرخه سواری) می‌تواند مقدار سلول‌های محافظ سیستم ایمنی بدن مانند ایمونوگلوبولینها، نوتروفیل‌ها و سلول‌های کشنده طبیعی را افزایش دهد. افرادی که بیشتر روزهای هفته را ورزش می‌کنند خطر ابتلای خود به سرماخوردگی‌های شایع را تا ۵۰ درصد کاهش می‌دهند. بعلاوه، مقدار این سلول‌ها تا سه ساعت بعد از ورزش همچنان بالا می‌ماند. هر بار که ورزش می‌کنید، سلول‌های مهم ایمنی بدن از بافت‌های محیطی را می‌سازد، و وارد سیستم گردش خون می‌کند تا دوباره به کل بدن برونند و قابلیت مبارزه با ویروس‌ها و باکتری‌ها را افزایش دهند.

مشکل شماره سه: بیش از حد ورزش کردن

۷۵ تا ۹۰ دقیقه، فعالیت بی‌امان، مانند دویدن در یک ماراتن، تمام مزایای خوب ورزش برای سیستم ایمنی را تبدیل به ضرر می‌کند. در واقع، مغزتان یک فعالیت شدید و طولانی مدت را به عنوان یک عامل تشدید فشار و چیزی که باعث در هم شکستن سیستم ایمنی می‌شود

مشکل شماره یک: جا انداختن کلاس یوگا

رفتن به کلاس یوگا و یا انجام این ورزش با نور ویدیویی در این فصل واقعا ارزشش را دارد چون می‌تواند از مریض شدنتان پیشگیری کند. در یک تحقیق مشخص شد افرادی که روزانه ۴۰ دقیقه یوگا کار می‌کنند بهبود قابل توجهی در سیستم ایمنی بدنشان مشاهده می‌کنند، همچنین سطح هورمون استرس در این افراد پایین می‌آید. دکتر اوا سلهاپ مسئول این تحقیقات می‌گوید: یوگا



هوشنگ ابتهاج

صد ره به رخ تو در گشودم من
بر تو دل خویش را نمودم من

جان مایه ی آن امید لزان را
چندان که تو کاستی، فزودم من

می سوختم و مرا نمی دیدی
امروز نگاه کن که دودم من

تا من بودم نیامدی، افسوس!
وانگه که تو آمدی، نبودم من

۱۱ جایی که هرگز جاروبرقی نمی کشید!

از بورس هم می‌توانید کمک بگیرید. گرد و خاک را با جاروبرقی بگیرید و آنوقت کمی کابینت را تر و تمیز کنید.

۴-کوسن

روکش کوسن‌ها را داخل ماشین لباسشویی بیندازید و کوسن را با جاروبرقی عاری از گرد و غبار کنید. طبیعتاً محتویات کوسن پر از آشغال‌ها و پس مانده‌هایی است که روزها و روزها به خورد کوسن داده‌اید!

۵-بالشت اسفنجی

این مدل بالشت‌ها را هرگز داخل ماشین لباسشویی قرار ندهید. مکش جاروبرقی براحتی آشغال و گرد و خاک را از درون آن بیرون می‌کشد.

۶-آبازور

علاوه بر اینکه لامپ و میله‌ای داخلی و پایه آبزور نیاز به گردروبی دارند، سایه گیر یا همان شیدر آبزور قطعاً پر از خاک است. با جاروبرقی آن را پاک کنید و با غلتک مخصوص غبارهای باقی مانده را از بین ببرید.

۷-میله‌های ماریجی یخچال

مراقب یخچال باشید و با یک قلمو گرد و غبار را از آن پاک کنید. بعد

همیشه با دقت فرش، کفپوش و پادری ورودی خانه را جاروبرقی می‌کشید ولی آیا تا به حال بالشت‌ها و کوسن را هم جارو کشیده‌اید؟ فکری به حال یخچال کرده‌اید؟ در اینجا ۱۱ جایی که هرگز به فکرتان



خطور هم نکرده که جاروبرقی بکشید را به شما معرفی می‌کنیم.

۱-تشک و تختخواب

یکی از جاهای فراموش شده تشک و تختخواب است، کمتر کسی تشک را جارو برقی می‌کشد، باوجود اینکه بیشترین گرد و غبار را به خود می‌گیرد. چارچوب تخت، پایه‌هایش و لته‌های زیرین تخت بیشترین گرد و خاک را به خود می‌گیرند و نیاز به نظافت دارند، حتی بیش از فرش یا مبل.

۲-درآور

درآور را از گرد و غبار خالی کنید. خرده‌های نان و آشغال‌های کوچک را جارو بکشید. قطعاً لباس‌های زیر و بیژامه‌های کهنه را هم می‌توانید دور بیندازید. برای بهتر شدن اوضاع از خوشبوکننده و یا کیسه گیاهان معطر هم کمک بگیرید، قطعاً نتیجه خوبی به دست خواهید آورد.

۳-کابینت

آیا واقعا تا بحال به داخل کابینت‌ها نگاه کرده‌اید؟ نفرت انگیز است. برای از بین بردن کثیفی‌های بیشتر

با جاروبرقی همه خاک‌ها را جمع کنید. بهتر است سری جاروبرقی را با میله‌های پشت یخچال برخورد ندهید، جمع کردن این همه گرد و خاک به خودی خود شبیه فیلم‌های ترسناک است.

۸-خشک کن لباس



۱۰-کمد

با خودتان صادق باشید، آیا تا بحال طبقات کمد را گردروبی کرده‌اید؟ معمولاً نهایت تلاش برای نظافت کمد، مرتب کردن لباس‌ها و وسایل است، در حالیکه همین جاست که بیشترین گرد و غبار را به خود می‌گیرد.

۱۱-پرده

پرده‌ها حتما باید بوی خزه بگیرند تا سراغ آنها برویم؟ قطعاً اولین راه ورود گرد و غبار پنجره است و در نتیجه پرده‌ها در معرض بیشتر آنها قرار دارند. برای همین باید با جاروبرقی تا می‌توانید مانع جذب گرد و غبار شوید، شاید با این روش کمتر مجبور به شستشوی پرده‌ها باشید.

۱۲ بازیکن و مربی تیم‌های پیکان و بانک سرمایه جریمه شدند



به دنبال حوادثی که در مسابقات لیگ والیبال باشگاه‌های ایران بین تیم‌های پیکان و بانک سرمایه در هفته گذشته رخ داد کمیته انضباطی فدراسیون والیبال دوشنبه این هفته در جلسه‌ای با حضور مسئولان فدراسیون و ۱۹ تن افراد درگیر در این ماجرا از جمله والریو ورمیلیو کاپیتان ایتالیایی تیم پیکان و وکیل او که به منظور شرکت در این جلسه از رم به تهران آمده بود تنبیهاتی را برای خاطیان در نظر گرفت به این ترتیب:

مهدی مهدوی، کاپیتان تیم بانک سرمایه ۳ جلسه محرومیت و ۱۰ میلیون تومان جریمه نقدی والریو ورمیلیو، کاپیتان تیم پیکان ۲ جلسه محرومیت و ۱۰ میلیون تومان جریمه نقدی محمد موسوی، بازیکن تیم بانک سرمایه ۲ جلسه محرومیت و ۱۰ میلیون تومان جریمه نقدی علیرضا مباشری، بازیکن تیم بانک سرمایه ۲ جلسه محرومیت و ۱۰ میلیون تومان جریمه نقدی شهرام محمودی، بازیکن تیم بانک سرمایه یک جلسه محرومیت و ۱۰ میلیون تومان جریمه نقدی فرها قائمی، بازیکن تیم پیکان ۲ میلیون تومان جریمه نقدی و یک جلسه محرومیت از شرکت در مسابقات

مسابقات تنیس آزاد استرالیا

مرد آهنی، نابغه، رافا و موری سر حال و آماده ونوس، شاراپوا و هالپ مصدوم



نواک جاکوویچ، اندی موری، راجر فدرر



سرینا ویلیامز، رافائل نادال، ماریا شاراپوا

رقابت‌های تنیس آزاد استرالیا نخستین گراند اسلم تنیس در سال ۲۰۱۶، ۱۸ ژانویه در ملبورن پارک در مرکز شهر ملبورن آغاز می‌شود. این روزها بازی‌های دست‌گرمی پیش از این گراند اسلم در ایوولبی، قطر، آمریکا و چین و شهر پرت استرالیا در جریان است و هفته آینده نیز در شهر بریزبن تورنمنت دیگری شروع خواهد شد.

در این مسابقات تنیس‌بازان مرد همگی سر حال و آماده نشان داده‌اند اما ریچارد گسکی تنیس‌باز فرانسوی به علت ناراحتی زانو از حضور در گراند اسلم ملبورن عذر خواسته و اندی موری نیز که او و همسرش همزمان با شروع بازی‌ها منتظر تولد نخستین فرزند خود هستند در صورتی که موعد وضع حمل همسر موری با نخستین روز مسابقه وی مصادف شود او در رقابت‌ها حاضر نخواهد شد.

امسال متأسفانه دختران پر طرفدار تنیس با مشکل مصدومیت روبرو هستند. سرینا ویلیامز، ماریا شاراپوا و سیمونا هالپ نفرات اول تا سوم

تنیس زنان جهان مجروح‌اند. سرینا دوشنبه این هفته هنگام بازی در مسابقات هوپ کاپ بین تیم‌های آمریکا و استرالیا به علت شدت گرفتن التهاب زانو در آغاز ست دوم مسابقه را به حریف واگذار کرد و به بازی ادامه نداد. شاراپوا و هالپ نیز از دردهای مختصر دست و پا رنج می‌برند و به این دلیل در مسابقات بریزبن شرکت نخواهند کرد. اطرافیان سرینا عدم حضور او در مسابقات آزاد استرالیا را بعید نمی‌دانند. جایزه نقدی بازی‌های امسال آزاد استرالیا برای نفرات اول زنان و مردان ۲ میلیون و ۶۵۰ هزار دلار استرالیاست.

در مبارزات امسال گراند اسلم استرالیا نواک جاکوویچ و سرینا ویلیامز نفرات اول این مسابقات در سال ۲۰۱۵ باید از مقام قهرمانی خود دفاع کنند.

در سیدبندی، (رده بندی مسابقات بین‌المللی تنیس استرالیا) اسامی ۳۲ تنیس‌باز زن و ۳۲ تنیس‌باز مرد دیده می‌شود اما در مجموع ۱۲۸ تنیس‌باز زن و ۱۲۸ تنیس‌باز مرد

محمد بنا: هر مدال المپیک ۱۰ میلیارد ریال هزینه دارد

حال و روز مشت‌زنی، دو و میدانی و وزنه‌برداری اسفناک است



محمد بنا سرمربی تیم ملی کشتی فرنگی ایران که تیم کشتی فرنگی تحت رهبری او در مسابقات المپیک لندن سه مدال طلا گرفت می‌گوید: برای هر مدال المپیک باید ۱۰ میلیارد ریال هزینه شود. به این معنا که اگر هر مقداری از این مبلغ کم شود شانس مدال‌آوری نیز کاهش می‌یابد. حال اگر وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک به دنبال موفقیت و کسب مدال هستند مجبورند هزینه کنند.

اما اگر واقعا از نظر بودجه در مضیقه باشند خیلی شفاف به ما بگویند تا با همین وضعیت برای موفقیت تلاش کنیم. بنا اضافه می‌کند شما در هیچ کجا از سیاست و اقتصاد نمی‌توانید به اندازه پیروزی‌های ورزشی مردم را خوشحال کنید.

به عنوان نمونه می‌توان به حضور تیم ملی فوتبال ایران در جام جهانی موفقیت‌های تیم ملی والیبال و دست‌آوردهای کشتی در المپیک اشاره کرد چرا که ورزش مقله‌های است که در ذهن و روح مردم وجود دارد.

وی با ابراز خوشحالی از کسب چهار سهمیه المپیک از سوی ورزشکاران زن نجمه خدمتی، الهه احمدی، زهرا نعمتی و لیلا رجیبی گفت این ورزشکاران به نظر من ظرفیت دریافت مدال المپیک را دارند و در

حکم مرا خدا امضا کرده نیازی به امضای وزارت ورزش ندارم



وزارت ورزش جمهوری اسلامی سرانجام پس از دو سال این پا و آن پا کردن حکم نیابت فدراسیون کشتی ایران را که از سوی رسول خادم برای علیرضا حیدری تقاضا شده بود امضا کرد. حیدری که قهرمان پیشین جهان و دارنده مدال برنز المپیک است با ناخشنودی بسیار در واکنش به صدور این حکم گفت: حکم مرا خداوند امضا کرده و نیازی به امضای وزارت ورزش ندارم.

او گفت پس از مسابقات جهانی کشتی لاس وگاس از سمت نایب رئیسی فدراسیون کشتی استعفا داده بودم اما برای آنکه مبادا مشکلی برای کشتی پیش بیاید درباره آن صحبتی نکردم اما من این حکم را نمی‌پذیرم ولی هرگاه کشتی به من نیاز داشته باشد حتما همکاری خواهم کرد، او اضافه کرده من خیلی به ندرت گریه می‌کنم اما هر وقت پرچم ایران در مسابقات بین‌المللی به اهتزاز در

فدراسیون فوتبال امارات: ما هم در ایران بازی نمی‌کنیم



به دنبال درخواست فدراسیون فوتبال عربستان از کنفدراسیون فوتبال آسیا ای.اف.سی برای برگزاری مسابقات تیم‌های فوتبال آن کشور با تیم‌های ایران در یک کشور بی طرف، فدراسیون فوتبال امارات نیز تصمیم گرفته است در صورتی که قرار شود طبق قرعه‌کشی با تیم‌های فوتبال ایران بازی کند مسابقه در کشور سومی انجام گیرد. اماراتی‌ها گفته‌اند به دلیل نداشتن امنیت جانی به تهران سفر نخواهند کرد.

محمد النویسر رئیس کمیته برگزاری لیگ فوتبال عربستان گفت: فدراسیون فوتبال امارات به ما اطلاع داده که مایل نیست تیم‌های باشگاهی آن کشور برای دیدار با تیم‌های ایرانی به تهران بروند آنها نیز مانند ما ترجیح می‌دهند در کشور دیگری مقابل

ایرانی‌ها بازی کنند. او گفت ایرانی‌ها قواعد و قوانین بین‌المللی را زیر پا گذاشته‌اند و به سفارتخانه ما حمله کرده‌اند و چه مراقبت کنیم.

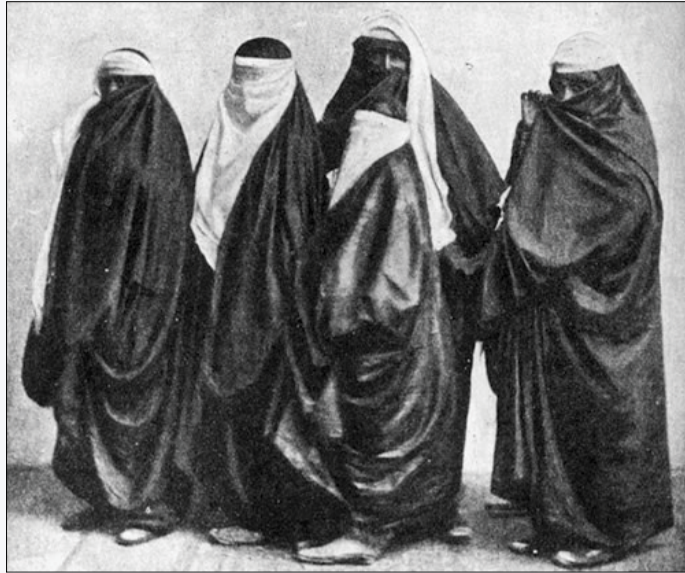
زنان ایران هشتاد سال پس از کشف حجاب

روشنک آسترکی - هفدهم دی ماه برابر است با سالروز فرمان کشف حجاب در سال ۱۳۱۴ خورشیدی توسط رضاشاه پهلوی. در ایران آن زمان زنان شهری با چادر و چاقچور و روبنده در اماکن عمومی حاضر می‌شدند و مسولیتی غیر از رفع و فتن امور مطبخ و اندرونی به عهده نداشتند.

جای زنان ایرانی در مشارکت‌های اجتماعی در همه‌ی عرصه‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی خالی بود. این در حالی بود که پوشش زنان به آن سبک و سیاق نه در پیشینه باورهای ایرانی وجود داشت و نه در اغلب جوامع غیرشهری. چه پیش از کشف و چه بعد از آن زنان عشایر و روستایی در بسیاری از مناطق ایران نه موی خود را می‌پوشاندند و نه روی خود را و در اندرونی زندانی بودند بلکه در مزارع پا به پای مردان کار می‌کردند و حتی زنان نام‌آوری در میان عشایر و روستاییان دیده می‌شوند که دوشادوش مردان نقش‌آفرینی می‌کردند؛ مانند قره فاطمه که کرد بود و یا مروارید که از زنان شمال بود و «جنگلی‌ها» را در تهیه اسلحه یاری می‌داد و یا بی بی مریم که از عشایر بختیاری بود. حتی برخی مورخان گفته‌اند در جنگ چالدران تعداد زیادی از زنان همراه همسران‌شان می‌جنگیدند و برخی اسیر شدند. نقش زنان در ایران باستان و اسطوره‌ها و هم‌چنین در تاریخ پیش از معاصر بحثی دیگر است.

در اوایل سده سیزده خورشیدی با تکانی که در جامعه ایران از راه ارتباط با اروپا ایجاد شد، این اندیشه که مردم سررشته‌دار امور اداره کشور هستند رواج یافت که جنبش مشروطه نیز دستاورد همین اندیشه بود.

در زندگی نوین که روزنه‌هایش به روی مردم باز می‌شد، مطالبات جدیدی نیز مطرح از جمله از سوی زنان مطرح می‌شد که یکی از آنان حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی بود. در واقع نمی‌شد از پیشرفت سخن گفت ولی زنان را هم‌چنان در پس پرده و حجاب و اندرونی نگاه داشت. آنها نیز باید آموزش می‌دیدند و با دانش‌های نوین آشنا می‌شدند و برای زندگی جدید پرورش می‌یافتند؛ برای این تغییر آنها باید می‌توانستند در جامعه حضور پیدا کنند که این روند با آن سنت و اندیشه‌های که با خود چادر و روبنده حمل می‌کرد سر سازگاری نداشت چرا که این چادر و روبنده فلسفه‌اش مستور بودن و دیده نشدن بود و در واقع عمل کردن به



پوشش زنان پیش از کشف حجاب



فرخ‌رو پارسا، وزیر آموزش و پرورش و مهرانگیز دولت‌شاهی به همراه مقامات شورای بین‌المللی - دهه چهل خورشیدی

حجاب یصون او تنمش عیون



یکی از پوسترهای به شدت کج سلیقه برای رعایت حجاب!

کشف حجاب غیرت و تعصب مذهبی و مقاومت به خرج می‌دادند و مردم را برای دفاع از حجاب تحریک می‌کردند. بهیچوجه نبود که هم‌زمان با آن مقاومتی سخت نیز در برابر ایجاد مدرسه‌های نوین نشان داده می‌شد. اما بر زمینه اهداف انقلاب مشروطه و هم چنین مقاومت روشنگران و روشنفکران و حکومت وقت، رفته رفته مدارس نو بنیاد نهاده شد و دختران نیز راهی مدرسه شدند. به این ترتیب اندیشه‌ی حضور اجتماعی زنان و رها شدن از موانع و قید و بندهای دست و

نظر اقتصادی به کشورهای در حال توسعه پیچید. در سال ۱۳۱۰ خورشیدی مجلس شورای ملی ورود هیات از سوی «جامعه ملل» را برای جلوگیری از آنچه که «تجاوز به حقوق زن در شرق» خوانده می‌شد، صادر کرد. در این سال به دستور رضاخان «زنان باید در برداشتن حجاب خود آزاد باشند و اگر فردی یا ملایی متعرض آنان شد، شهربانی باید از زنان بی حجاب حمایت کند» (فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران، سال اول، شماره دوم، ص ۷۸).

در سال ۱۳۱۱ کنگره زنان شرق در تهران برگزار شد و در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۱۴ «جمعیت زنان آزادیخواه ایران» تحت ریاست شاهدخت شمس پهلوی تاسیس و بالاخره قانون کشف حجاب، پیش از اعلام رسمی آن در ۱۷ دی ۱۳۱۴، ابلاغ شد. در ۱۷ دی ۱۳۱۴ رضاشاه با همسر و دختران کشف حجاب کرده‌ی خود، در مراسم جشن پایان تحصیل دختران دانشسرای مقدماتی حضور یافت. هر چند در ابتدا مقاومت‌هایی از سوی بخشی از روحانیون و متدینان با قانون کشف حجاب صورت گرفت اما به دلیل داشتن بستر مناسب، به زودی در جامعه ایران پذیرفته شد و پس از چندی در عمل به شکل اختیاری در آمد و این در حالی بود که بخشی از روحانیت که بعدها روح‌الله خمینی رهبری آنها را به دست گرفت، هرگز حکومت پهلوی را به دلیل «کشف حجاب» و هم چنین حقوق مدنی و سیاسی زنان نیکبخت و انتقام خود را با زیر پا نهادن و حذف آن حقوق و تحمیل حجاب اجباری پس از انقلاب ۵۷ گرفت.

انقلاب اسلامی در سال ۵۷ پس از کمتر از نیم قرن از «کشف حجاب» در ایران رخ داد. زنان ایرانی که در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و هنری همپای مردان حضوری فعال داشتند، خود را در مقابل حکومتی یافتند که رهبرش هنوز یک ماه از انقلاب نگذشته زیر همه حرف‌هایش از جمله «حجاب زنان» زد. بخشی از زنان و مردان پشتیبان حقوق آنان اما در تهران هم‌زمان عرصه‌ی زندگی اجتماعی روز به روز بر زنان ایران تنگ‌تر می‌شد. بسیاری از انقلابیون حزب‌اللهی و اوپاش با حمایت ناگفته‌ی حکومت به زنان به اصطلاح «بدحجاب» حمله کرده و با شعار معروف «یا روسری یا توسری» به آنها یادآوری می‌کردند که اینک تحت حکومتی زندگی می‌کنند که اختیار انتخاب حتی نوع پوشش را نیز از آنها گرفته است.

حجاب اجباری و پرده بر حضور زنان انداختن که بخش مهمی از ایدئولوژی نظام حاکم است کم کم در ایران به یک امر ظاهراً عادی

۳۲ دستگاه به طور مستقیم و غیرمستقیم با این موضوع درگیر هستند. یکی از این دستگاه‌ها کارش تولید پوستر و بیلبوردهای عظیم و پر هزینه‌ی تبلیغاتی برای تشویق زنان به استفاده از حجاب اسلامی است. یکی از زیرمجموعه‌های این دستگاه «گروه سایبری ترویج عفاف و حجاب» است که بخش زیادی از این پوسترها را طراحی کرده و در زمینه تبلیغ و ترویج حجاب تاکنون به تولید و انتشار محصولات بسیاری پرداخته است. پوستر و بیلبورد، لباس و ساک دستی بخشی از این محصولات هستند.

البته مساله ترویج فرهنگ حجاب و مبارزه با بی‌حجابی به همین نرمی و فقط با انتشار و نصب پوستر صورت نمی‌گیرد. در ایران غیر از گشت ارشاد اسلامی که به طور مستقیم مسوول مبارزه با «بدحجابی» و یا همان «امر به معروف و نهی از منکر» است، تمام بخش‌های پلیس و نیروی انتظامی کشور نیز در امر حجاب و یا سوال و جواب در مورد روابط شهروندان در خیابان دخالت می‌کنند.

هر ساله طرح‌ها و قوانین مختلفی در این مورد به تصویب دولت و مجلس شورای اسلامی می‌رسد. یکی از این طرح‌ها «طرح توسعه فرهنگ عفاف و حجاب» است که در آغاز سال ۸۲ و در دوره دوم ریاست جمهوری حجت‌الاسلام محمد خاتمی که در عین حال رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز بود تصویب شد و بر اساس آن کلیه نهادهای و سازمان‌ها موظف بودند مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص ترویج حجاب در جامعه را به اجرا بگذارند. اما ابلاغ آن به دوره اول دولت احمدی‌نژاد بر می‌گردد که وی هم آن را در دور دوم ریاست جمهوری خود و در سال ۸۹ در دستور کار دولت قرار داد. پس از آغاز اجرای این طرح، معاون اجتماعی نیروی انتظامی از بازداشت یک هزار و ۵۲۴ نفر در خردادماه ۸۹ خبر داد. بر اساس گزارش این مقام انتظامی ۶۷ درصد از دستگیرشدگان در سنین ۱۶ تا ۲۰ سال، ۳۱ درصد در سنین ۲۱ تا ۲۵ سال بودند و ۱۳ و ۸ درصد آنها بین ۲۶ تا ۳۰ سال سن داشتند. ۹۸ درصد دستگیرشدگان به پایگاه‌های اجرای طرح ارشاد و حدود ۳۰ نفر از آنها به مراجع قضایی تحویل داده شدند.

با وجود همه این قوانین و اقدامات سرکوبگرانه، زنان و به ویژه دختران جوان ایران با انواع نافرمانی مدنی نشان می‌دهند که هیچ تمایل و



گشت ارشاد اسلامی و زنان ایران: بر خورد بی‌پایان

پیشینه‌ای که کشف حجاب در جامعه ایران به وجود آورده بود، نه تنها مانع فعالیت اجتماعی زنان نشد، بلکه در یک تناقض ناخواسته، بخش مهمی از دختران و زنان خانواده‌های سنتی و مذهبی را به میدان اجتماع کشاند! این در حالی بود که در طول سالیان و با تولد نسل‌های جدید، مهار حجاب نیز از دست حکومت به در رفت.

در ایدئولوژی راهنمای جمهوری اسلامی است به مشکلی برای آن تبدیل شد به طوری که در حال حاضر به گفته مسوولان حکومتی



جلد مجله «زن روز» در اوایل دهه پنجاه به مناسبت سالروز کشف حجاب

باگیر قوت گرفت. اینکه زنان مدرسه رفته و تعلیم ببینند و پا به پای مردان و به عنوان نیمی از جامعه در ساختن کشور نقش بازی کنند، از یک سو آرزو و خواسته روشنفکران مشروطه بود و از سوی دیگر ضرورت ناگزیر رشد کشوری که آماده می‌شد تا از

عدم حضور بود و نه دیده شدن و مشارکت در زندگی اجتماعی. تفکری که زنان باید در چادر پیچیده شوند و روبنده به صورت بکشند با حمایت بخش مهمی از روحانیون و ملایان مرتجع، اعتبار مذهبی یافته بود و آنها در برابر

من سرهنگ نیستم حقوقدانم!

عبید سن خوزانی - روحانی که روزی گفته بود من سرهنگ نیستم و حقوقدانم، گفته است که: حمله به یک سفارتخانه در تهران، همانند حمله به خانه مردم است. از قرار ایشان نه تنها سرهنگ نیست، بلکه اصولاً با این حرفش حقوقدان هم نبایستی باشد.

آقای روحانی، شما که گفته‌اید سرهنگ نیستید و یک حقوقدان هستید، قطعاً حقوق بین‌الملل و دیپلماسی را نیز جزو درس‌های خود داشته‌اید. اگر یادتان باشد سفارتخانه و حتی کنسولگری‌های کشورهای گوناگون در کشور مقیم، بخشی از خاک آن کشورها تلقی



می‌شوند و به همین سبب آنجا تنها محلی است که کشورهای بیگانه حق دارند پرچم خود را برافرازند زیرا آنجا بخشی از خاک آنان محسوب می‌شود نه خاک کشور مقیم، ولو محل استیجاری باشد. در چنین حالتی، خدمت آقای حقوقدان عارضه که: سفارت عربستان بخشی از خاک این کشور است که داخل آن مستقل است و خودمختار و حتی اگر یکی از مجرمین جمهوری اسلامی ولو به اعدام هم محکوم شده باشد، فرض بفرمائید آقا مجتبی یا آقا مرتضی یا عباس آقا، بتواند خود را به سفارت کشوری در تهران برساند، هیچ قوه‌ای حق ندارد داخل سفارت شده و آن متهم یا جانی یا قاتل و بی‌سرف و آدم‌کش مادر به‌خطا... را دستگیر کند، حتی اگر آن جانی یا فاسد فرض بفرمائید قاتل ندا یا سهراب و یا حتا، مثل‌اش را عرض می‌کنم، خدای ناکرده یکی از قوم و خویشان عظمای جان باشد، یا فرضاً «خاوری» و «بز» که همان بابک زنجانی معروف است مکتبی به «بز» بنا براین به شما که سرهنگ نیستید و ادعا کرده‌اید حقوقدانید،



که امیدوارم باشید، توصیه می‌کنم یک بار دیگر کتاب‌ها و جزوه‌های درسی دوره دانشگاهی خود را (البته اگر دانشگاهی اصولاً رفته باشید) مرور کنید تا این مطالب فراموش شده را به یاد بیاورید. وگرنه این حرف که می‌فرمائید سفارتخانه در حکم خانه مردم است، موجب تمسخر و خنده بسیجی‌ها و سپاه پاسداران و لباس شخصی‌ها و خودجوش‌ها و خودزنها و سایر لشوش و اوباش و ارادل خواهد شد و به ریش شما خواهند خندید که آقای حقوقدان از قرار شما فراموش کرده‌اید که ما سال‌هاست مثل آب خوردن وارد خانه مردم می‌شویم و وقتی آنها از ما حکم دادگاه را می‌خواهند، همان گونه که در کهریزک آرای جوانان را به آنها ارائه کردیم، در منازل آنها هم مدارک و اسناد بازداشت و کتک و شکنجه آنها را به همان

کشور مزبور تلقی کرده و آنها را از خوابارشان به تیرهای چراغ برق جلو همان سفارتخانه اویزان خواهیم کرد تا عبرت دیگران گردند اما در صورتی که خیلی خیلی عجز و التماس و اظهار ندامت و پشیمانی کردند، آنان را با یک درجه عفو، همان روز تیرباران خواهیم کرد. در ضمن اکیدا یادآوری می‌کنیم که هیچ پاداش و جایزه‌ای از قبیل پست سفارت و معاونت وزارت خارجه و مشاور امور بین‌المللی مجلس شورایی اسلامی و سفیر جمهوری اسلامی در سازمان ملل و... در انتظار این افراد که دست به گروگان‌گیری زده یا از دیوار سفارتی بالا رفته باشند، نخواهد بود. تنها طناب است و خاویار، تیرهای چراغ برق یا مقدار کمی گلوله و در پایان نیز تیر خلاص، همین و بس. والسلام نامه ما هم شد، تمام. امضاء رئیس جمهور و حقوقدان سبق.

بحران در روابط جمهوری اسلامی و پادشاهی سعودی

روابط تهران و ریاض فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی است.

اگرچه رسماً پادشاهی سعودی همیشه خواستار بسته شدن این پرونده با استفاده از حربه دیپلماسی بوده است، ولی شواهد زیادی مبنی برخواست سعودی‌ها از آمریکا برای حمله نظامی به ایران منتشر شده است که معتقدند «سر مار را در ایران با سنگ باید کوبید». حتی گمان زده می‌شود که مقامات سعودی با دولت اسرائیل نیز در این زمینه تبادل نظر و مشورت کرده‌اند.

یمن نیز که از ماه‌ها پیش سعودی‌ها در راس ائتلافی نظامی در آنجا حضور دارند، یکی دیگر از جبهه‌هایی است که تهران و ریاض در مقابل هم قرار گرفته‌اند. پادشاهی عربستان با حضور نظامی خود تلاش در سرکوب حوثی‌هایی را دارد که از سوی جمهوری اسلامی حمایت مالی، تسلیحاتی و سیاسی می‌شوند. در سوریه نیز دو کشور در مقابل یکدیگر قرار دارند: ایران در حمایت از حکومت بشار اسد و سعودی‌ها به عنوان حامیان اصلی نیروهای مخالف حکومت کنونی دمشق. در لبنان نیز در حالی که سعودی‌ها از ائتلاف ۱۴ مارس به رهبری سعد



پادشاهی سعودی یکی از سه کشوری بود که حکومت طالبان را به رسمیت شناخت. دو کشور دیگر امارات متحده عربی و پاکستان بودند. ایران معتقد است که هدف از این به رسمیت شناختن نوعی زمینه‌سازی برای بی‌ثباتی در مرزهای شرقی ایران بوده است. در سال ۱۳۷۵ یک کامیون مملو از مواد منفجره در شهر خبر در شمال عربستان باعث مرگ ۱۹ نفر اروپایی و آمریکایی و صدها مجروح شد. مقامات ریاض و اف بی آی بلافاصله تهران را متهم به این بمب‌گذاری کردند.

روابط رژیم ایران و پادشاهی سعودی سال‌هاست از جمله به دلیل اینکه هر یک خود را اقتدار منطقه و «رهبر مسلمانان جهان» می‌شمارند، در شرایط بحرانی بسر می‌برد. می‌توان گفت که در ۳۷ سالی که از عمر جمهوری اسلامی می‌گذرد، هیچگاه روابط این دو کشور عاری از تنش نبوده است حتی در دورانی که زمامدارانش به یکدیگر لبخند می‌زده و دست



یکدیگر را می‌فشرده‌اند. اولین درگیری‌ها بین این دو رژیم، با جنگ ایران و عراق و حمایت پادشاهی سعودی از رژیم صدام حسین آغاز شد. اگرچه رسماً ریاض در این جنگ اعلام بی‌طرفی کرده بود ولی بر کسی پوشیده نیست که با میلیاردها دلار از عراق پشتیبانی کرد. شورای همکاری کشورهای عربی خلیج فارس هم در همان سال‌ها و با هدف مقابله با آنچه سعودی‌ها «تهدید ایران» می‌خواندند تشکیل شد.

در سال ۱۳۶۶ در جریان مراسم حج موسوم به «برائت از مشرکان» درگیری سختی بین گروه‌هایی از زائران ایرانی و پلیس سعودی روی داد که در طی آن بیش از ۴۰۰ نفر کشته شدند. آیت‌الله خمینی در پیامی به مهدی کروبی که در آن سال‌ها سرپرستی حج را عهده‌دار بود می‌نویسد: «اگر از جنایت‌های آمریکا بگذریم از آل سعود نخواهیم گذشت.»



تهران و ریاض به زمان حکومت طالبان در افغانستان باز می‌گردد. اما بحرانی‌ترین صفحه در تاریخ

نتیجه حمله به سفارت عربستان در تهران

روابط رژیم ایران و پادشاهی سعودی سال‌هاست از جمله به دلیل اینکه هر یک خود را اقتدار منطقه و «رهبر مسلمانان جهان» می‌شمارند، در شرایط بحرانی بسر می‌برد. می‌توان گفت که در ۳۷ سالی که از عمر جمهوری اسلامی می‌گذرد، هیچگاه روابط این دو کشور عاری از تنش نبوده است حتی در دورانی که زمامدارانش به یکدیگر لبخند می‌زده و دست



یکدیگر را می‌فشرده‌اند. اولین درگیری‌ها بین این دو رژیم، با جنگ ایران و عراق و حمایت پادشاهی سعودی از رژیم صدام حسین آغاز شد. اگرچه رسماً ریاض در این جنگ اعلام بی‌طرفی کرده بود ولی بر کسی پوشیده نیست که با میلیاردها دلار از عراق پشتیبانی کرد. شورای همکاری کشورهای عربی خلیج فارس هم در همان سال‌ها و با هدف مقابله با آنچه سعودی‌ها «تهدید ایران» می‌خواندند تشکیل شد.

در سال ۱۳۶۶ در جریان مراسم حج موسوم به «برائت از مشرکان» درگیری سختی بین گروه‌هایی از زائران ایرانی و پلیس سعودی روی داد که در طی آن بیش از ۴۰۰ نفر کشته شدند. آیت‌الله خمینی در پیامی به مهدی کروبی که در آن سال‌ها سرپرستی حج را عهده‌دار بود می‌نویسد: «اگر از جنایت‌های آمریکا بگذریم از آل سعود نخواهیم گذشت.»



تهران و ریاض به زمان حکومت طالبان در افغانستان باز می‌گردد. اما بحرانی‌ترین صفحه در تاریخ

نمر النمر، روحانی شورشی

نمر باقر النمر، روحانی شیعه‌ای که دوم ژانویه هم‌زمان با ده‌ها تن دیگر اعدام شد، ۵۷ سال پیش در العوامیه در استان قطیف در شرق عربستان متولد شده بود. او در سال ۱۹۸۰، پس از پایان تحصیلات حوزوی در العوامیه برای ادامه تحصیل به قم رفت و در کلاس‌های محمد تقی مدرسی و صادق شیرازی حضور پیدا کرد. شیخ نمر تحصیلات حوزوی‌اش را در سوریه به پایان رساند و به کشورش بازگشت. او خطیب مسجد شیعه العوامیه بود و از منبر همین مسجد سال‌ها مردم را به مبارزه علیه آل سعود فرا می‌خواند.

شیخ نمر بارها در خطبه‌هایش، که ویدیوهای آنها امروز در یوتیوب بینندگان بسیاری پیدا کرده است، از جمله خواستار نظام ولایت فقیه برای بحرین، عراق و عربستان شده بود. او در گذشته چندین بار در سال‌های ۲۰۰۴، ۲۰۰۶ و ۲۰۰۸ بازداشت و زندانی شده بود. آخرین بار در سال ۲۰۱۳، در جریان شورش‌هایی که در شرق عربستان و در مناطق شیعه‌نشین به راه افتاده بود، در عملیاتی که منجر به زخمی شدن او شد، توسط مقامات امنیتی دستگیر و در دادگاه به اعدام محکوم شد. این حکم در اکتبر سال ۲۰۱۵ مورد تأیید دیوان عالی پادشاهی سعودی قرار گرفت و در روز ۲ ژانویه سال جاری به اجرا گذاشته شد. ۴۶ نفر دیگر نیز در همین روز اعدام شدند که اکثر آنها سنی و از هوادان القاعده و یا حکومت اسلامی بودند. اعتراض جمهوری اسلامی و حمله به سفارت و کنسولگری این کشور در تهران و مشهد نه در رابطه با این اعدام گروهی بلکه فقط متوجه اعدام این شیخ شیعه است که دادگاه‌های عربستان سعودی بر اساس موازینی که خود جمهوری اسلامی نیز در دستگاه قضایی خود از آن پیروی و اجرا می‌کند، به آن حکم داده و آن را به اجرا در آورده‌اند.

نامزدی، عقدکنان، عروسی و طلاق

در ایران دیروز

باز نشر

اشاره:

آنچه می‌خوانید بخشی از سفرنامه گاسپار دروویل فرانسوی است که در عهد سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار به مدت سه سال در ایران می‌زیست و مشهودات خود را در سفرنامه‌های نوشته و انتشار داده است. دروویل، در فرانسه با سرتیپ عسکرخان افشار ارومی سفیر فوق‌العاده ایران در دربار ناپلئون بناپارت آشنا شد و در تهران، به طوری که خودش می‌نویسد، میهمان عسکرخان بود: «یک اروپایی در هر مقام و منصبی که باشد ممکن است

سالیان سال در یک شهر ایران سکونت نماید بدون آن که حتی یک بار موفق به دیدار رخسار زن ایرانی شده باشد. یک اقامت طولانی، همراه با کیفیات کاملاً ویژه لازم است تا اجازه ورود به بعضی حرمسراها، که تنها مکان برای آشنایی با جنس لطیف است، به دست آید... در مدت سه سال اقامت در این کشور، به سبب روابط بسیار صمیمانه‌ای که موجب تسهیلاتی برای دخول در بعضی حرمخانه‌ها (به ویژه حرهای خانواده عسکرخان) گردید، توانستم شناخت زیادی راجع

به این موضوع کسب نمایم. من مدت شش ماه در قسمتی از خانه این مرد سالمند مهربان زندگی کردم. او مطابق عادات و رسوم فرانسویان که به آنها خو گرفته و پذیرفته بود، رفتار می‌نمود و کمتر روزی بود که مرا نزد بانوان خانواده‌اش نبرد. این احترام که ابتدا از روی نزاکت بود منجر به عادت گردید و بعدها آزاد بودم که آنها را همانند زنهای اروپایی ملاقات نمایم و با وجود حسادت شرقی‌ها که بسیار مشهور و معروف است هرگز به نظرم نیامد که باعث بدگمانی آنها شده باشم».



درباره مراسم نامزدی و عروسی

مراسم زناشویی در ایران از نظر اروپایی‌ها بسیار جالب و شگفت‌انگیز است. مراسمی که قبل از عروسی و حین آن و بعداً صورت می‌گیرد آن قدر شگرف است که نمی‌توان آن را به سکوت برگزار نمود.

اولاً بسیار نادر است که دو طرف ذینفع، شخصاً ترتیب زناشویی خود را بدهند. این امر همیشه توسط پیرزنهايي که تقريباً هيچ مشغله ديگري جز اين ندارند، انجام مي‌گيرد.

هنگامي که در خانواده‌ای صحبت از زن دادن پسرشان به میان می‌آید مادر، عمه و خاله و یا یکی دیگر از زندهای خانواده به این طرف و آن طرف سرکشی می‌کنند تا دختری را که فکر می‌کنند مورد پسند جوان واقع می‌گردد، پیدا نمایند و چون پسر نمی‌تواند دختر را ببیند واسطه‌ها تصویری از بد و خوب دختر را که معمولاً با حقیقت همراه است برای پسر ترسیم می‌کنند زیرا که اگر در باب دختر کم و زیادی گفته باشند خود را در معرض سرزنش قرار می‌دهند و چنان‌چه عروسی به این دلیل به هم بخورد تمام سنگینی خشم دو خانواده بر روی آنها می‌افتد. این زنها باید خیلی محرم و سر نگه‌دار باشند.

چنان‌چه توصیفی که از دختر می‌شود مورد پسند پسر قرار گیرد و به حصول وصلت رضا دهد، والدین پسر و دختر یک دیگر را ملاقات می‌کنند و درباره مسایل مادی قرار و مدار می‌گذارند. شوهر آینده مبلغی بابت مهریه برعهده می‌گیرد.

این مبلغ در صورت بروز هرگونه اتفاقی به زن تعلق می‌گیرد اما اسباب و لوازم آرایش و همچنین حجله عروسی را خانواده دختر فراهم می‌کند. آن‌گاه روز نامزدی تعیین می‌شود و کلیه آشنایان برای شرکت در این مراسم، در روز و ساعت معین دعوت می‌شوند. ابتدا پسری را که نامزد شده، به حضار معرفی و اعلام می‌کنند که از امروز او قول ازدواج به نامزدش داده است و سپس روز عقدکنان را تعیین می‌کنند. در این مراسم، عصرانه‌ای از میوه، شیرینی و شربت فراهم می‌نمایند، همچنین عده‌ای مطرب، آوازخوان و رقصنده هم دعوت می‌کنند و این جشن کوچک معمولاً تا شب ادامه پیدا می‌کند. مادر دختر هم برای آشنایان خود چنین جشنی در محیط زانه برپا می‌کند که در آن آوازخوانها و رقصندگان حرفه‌ای نیز شرکت دارند. این زنها در حال حاضر فقط در اندرونی و در حضور زنها برنامه اجرا می‌کنند در صورتی که در زمان شاردن (جهانگرد فرانسوی که در عهد صفوی به ایران سفر کرد) به طوری که از نوشته‌های او بر می‌آید وضع طور دیگری بوده است و این قبیل زنها زندگی پریشانی داشته‌اند. بی‌گمان این وضع مانند بسیاری چیزهای دیگر به شدت دگرگون شده است.

پس از اجرای این مراسم، چندین ماه و غالباً چندین سال به همین صورت باقی می‌ماند زیرا در خانواده‌های بزرگ نامزدی بین بچه‌های چهار پنج ساله صورت می‌گیرد. سرانجام هنگامی که موعد عقدکنان فرار رسد روز مناسبی را انتخاب می‌کنند. دختر قبل از آن که رضایت قطعی بدهد آخرین شرایط خود را پیشنهاد می‌کند. این شرایط معمولاً تقاضای لباس، شال، جواهر، کنیز و غالباً پول و ملک است. تقریباً این اطمینان وجود دارد که چنانچه شرایط دختر از طرف شوهر آینده قبول، اصلاح و یا مردود شود، به هر حال ازدواج به هم نمی‌خورد زیرا زنها در این مورد هیچ‌گونه اراده‌ای از خود ندارند و این تقاضاها برحسب سنتهای کهنه صورت می‌گیرد که روز به روز و بیش از پیش اعتبار خود را از دست می‌دهند. پسرهای نامزد خیلی به ندرت به نامه‌های عاشقانه دخترها که بوی نامهربانی می‌دهد توجه می‌کنند. دخترها در این نامه‌ها خیلی چیزها طلب می‌کنند ولی به کمش هم راضی هستند و در صورتی که تقاضاهایشان کلاً رد نشود غالباً

احساس خوشبختی می‌نمایند. با وجود این، چنانچه دختر در مورد تقاضای خود پافشاری کند نامزد تمام آن‌چه را که او خواسته است می‌دهد ولی در موقع ورود به حرمسرا همه را از او پس می‌گیرد. عروسها در این موقعیت جرأت مقاومت ندارند زیرا نمی‌توانند رسوایی پس فرستاده شدن را بیازمایند.

در روز عقدکنان داماد همراه پدر و مادرش با یک آخوند به منزل عروس می‌روند. آخوند از عروس که در پشت پرده زنبوری در اتاق مجاور نشسته و از نظرها پنهان است، پرسش می‌کند آیا حاضر است مردی را که در مقابل خود می‌بیند به شوهری قبول کند؟ پس از دریافت جواب مثبت، عین همین پرسش را از داماد می‌کند با این تفاوت که داماد زنی را که راضی به ازدواج با اوست نمی‌بیند. پس از قبول داماد، آخوند به خواندن ادعیه خاص زناشویی می‌پردازد و به این ترتیب تشریفات پایان می‌گیرد. در این موقع داماد روزی را که دنبال عروس خواهد فرستاد تعیین می‌نماید. معمولاً این امر پیش از یک ماه صورت نمی‌گیرد. در روز موعود، داماد کلیه دستاوردش را که عده آنها به صد تا صد و پنجاه نفر می‌رسد و همگی کاملاً مسلح و سوار بر اسب هستند جمع می‌کند. چند نفر از زنها هم سوار بر اسب می‌شوند و اسبی را که برای عروس به طرزی با شکوه زین و برگ شده، با خود می‌برند. دسته سواران در حالی که مطربها، آوازخوانها و رقصندگان در جلو در حرکت هستند دو ساعت قبل از غروب آفتاب، راه خانه عروس را پیش می‌گیرند و در طول راه چندین بار دسته‌جمعی شلیک می‌کنند. به مجرد رسیدن به خانه عروس، داماد وارد خانه می‌شود و همه‌جا به دنبال عروس می‌گردد. عروس طبق آداب و رسوم باید کاملاً خود را مخفی نماید ولی داماد بالاخره او را در حالی که صورتش پوشیده است پیدا می‌کند. در این موقع نوعی کشمکش آغاز می‌گردد و داماد که می‌خواهد عروس را با خود ببرد با امتناع وی مواجه می‌شود. هر چه بیشتر داماد عروس را تحت فشار قرار می‌دهد

مقاومت عروس به همان اندازه زیادتر می‌شود و از این‌رو عروس چنان داد و فریادی به راه می‌اندازد که گویی می‌خواهند او را خفه کنند. لازم به تذکر است که ترک خانه پدری به اولین اشاره داماد برای عروس زبنده نیست. در مرحله آخر چون شوهر می‌بیند که حرفهایش بی‌اثر است با وجود فریادهای عروس که از روی عرف و عادت است، او را می‌رباید و بر روی اسبی که برایش آماده شده است می‌نشاند. زنها عروس را احاطه می‌کنند و با او به سوی منزل داماد پیش می‌روند. موبک عروس در حالی که دسته موزیک و رقصندگان در جلو در حرکت هستند قبل از رسیدن به خانه داماد دور شهر گردانده می‌شود. داماد پس از رسیدن به خانه خود با همراهان وارد تالار می‌شود و عروس را به حرمسرا می‌برند. تفریحات و ساز و آواز تا شب ادامه پیدا می‌کند. سپس شام داده می‌شود که غالباً تا نصف شب طول می‌کشد. آن‌گاه دوستان، تازه داماد را تا در حرمسرا همراهی می‌کنند و برای او هرگونه نیکبختی آرزو می‌نمایند خاصه آن که نوع عروس مورد پسندش قرار بگیرد. مطربها، آوازخوانها و رقصندگان که مجلس جشن را رونق داده‌اند در بیرونی مستقر می‌شوند و در آن‌جا غالباً به مدت یک هفته شبانه‌روز و بی‌وقفه می‌نوازند. تا هنگامی که آوای موسیقی شنیده می‌شود و این بازیگران پر سر و صدا به یک باره مرخص نشده‌اند جشن ادامه دارد و سفره‌ها برای پذیرایی آماده است.

موقعی که زنها از ورود داماد آگاه شدند صورت عروس را می‌پوشانند. برطبق آداب و رسوم داماد باید به دست خود نقاب از چهره عروس بردارد. از این‌رو، داماد به محض ورود چادر را از سر عروس برمی‌گیرد و چون اولین بار است که صورت عروس را می‌بیند این موقع بحرانی‌ترین لحظات برای عروس می‌باشد. چنانچه عروس نیکبختی این را نداشته باشد که مورد پسند داماد واقع شود داماد بی‌آن که سخنی بر زبان آورد فوراً از اتاق خارج می‌شود و همه معنی آن را می‌فهمند. از این پس فقط صدای

ناله و گریه و فریاد است که شنیده می‌شود. در این حال فوراً عروس را به منزل پدر و مادرش برمی‌گردانند. ولی در چنین مواردی داماد باید از مهریه، جواهرات و اشیایی که به عروس داده، چشم‌پوشی کند. این قبیل رویدادها امروز تا اندازه‌ای نادر است زیرا کمتر اشخاصی پیدا می‌شوند که به طریقی قبلاً دختر را ندیده باشند. دیدارها از راه نیرنگ و یا با قرار قبلی صورت می‌گیرد. به این ترتیب که پیرزنها که نقش واسطه را دارند خواستگار را در جای خلوتی پنهان می‌کنند و دختر که از زیبایی خود اطمینان دارد به صورت ظاهر به طور اتفاقی روی خود را باز می‌کند.

چنانچه برعکس، عروس مورد پسند واقع شود تازه داماد در کنار وی می‌نشیند و به او اطمینان می‌دهد که تا آخر عمر دوستش خواهد داشت. سپس از خانمهایی که به همراه عروس آمده‌اند تشکر می‌کند. خانمها که می‌بینند زن و شوهر به خوبی با هم سازش دارند به زودی آنها را تنها می‌گذارند. کنیزها پس از مرتب کردن حجله خارج می‌شوند و فقط آن که بین آنها از همه مسن‌تر است می‌ماند تا برای راضی کردن عروس به انجام زفاف به داماد کمک کند. راضی کردن عروس کار بسیار مشکلی است و غالباً ساعتها طول می‌کشد تا با خواهش و تمنای زیاد به اشکال به آن تن در دهد. از نظر ایرانیها شتاب در برآوردن دلخواه داماد نوعی سبکی و جلفی محسوب می‌شود و از این‌رو بعضی اوقات عروسها ماهها به آن رضایت نمی‌دهند.

کنیز سالخورده، نخست پارچه بزرگ سفیدی بر روی دوشک پهن می‌کند. این پارچه که گواهی عفت دختر است به خانواده عروس برگردانده می‌شود. کنیز مزبور سپس در خارج اتاق خواب می‌ماند تا آن‌چه را که در آن‌جا می‌گذرد بشنود و به مجرد این که اطمینان پیدا کرد عمل زفاف انجام شده، وارد اتاق می‌شود و پارچه‌ای را که در آن‌جا گسترده از زیر عروس و داماد بیرون می‌کشد و فوراً و بدون توجه به ساعت، آن را نزد پدر و مادر عروس می‌برد که

چون با لکه‌های خون نشانه پاکدامنی دخترشان می‌باشد آن را با غرور از او می‌گیرند. این آداب که از دوران باستان باقی مانده، در سراسر آسیا و حتی در روسیه هم مرسوم است و فقط برخی افراد طبقات بالا هستند که خود را تا این اندازه مقید نمی‌دانند. از آن‌جا که نمی‌خواستیم شرح وظایف این پیرزن را بپردازیم و بگذارم زودتر درباره آن توضیح دادم و اکنون به شرح وقایعی که قبل از این جریانات رخ می‌دهد، می‌پردازم. قبلاً گفتیم که راضی کردن زن به رفتن به حجله کار بسیار مشکلی است اما این کشمکش در مقام مقایسه با آن‌چه بعداً اتفاق می‌افتد، ناچیز است. برای این که داماد بتواند عروس را وادار کند که زیر جامه لعنتی را که مانع انجام نیتش می‌باشد درآورد باید خیلی کوشش کند و از این‌رو داماد در دفعه اول به مباشرت این مرحله اساسی که تصرف زن باشد دست نمی‌یابد. ممکن است تصور شود که پس از تمام این جریانات کلیه اشکالات برطرف شده، در صورتی که چنین نیست. اشکال دیگری هم هست که در اروپا به ندرت پیش می‌آید و آن عبارت از مشکل عمل کامل زفاف است که اجرای آن به درازا می‌کشد، به طوری که عموماً هفته‌ها و حتی ماهها می‌گذرد تا کار به پایان برسد. باید متذکر شد که حتی در آن موقع هم عرف و مذهب مانع کام گرفتن کامل داماد است زیرا قبل از سه شبانه‌روز تمام نمی‌تواند مجدداً به زنش نزدیک گردد. این عمل خارق‌العاده را ایرانیها این‌طور توجیه می‌کنند که اگر زن در این لحظه آبستن شود بچه‌ای که به وجود می‌آید از خون است. این نوع استدلال از جانب چنین ملت زیرکی واقعاً تعجب‌آور است.

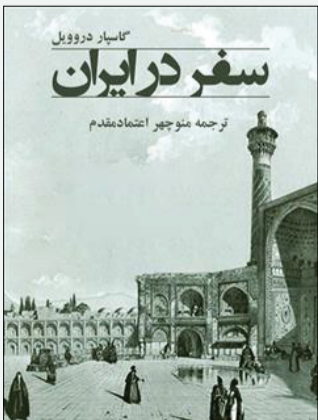
درباره طلاق و زنان بیوه مردان ایرانی می‌توانند به اراده خود و بدون آن که منعی در بین باشد زندهایشان را دوبار پشت سر هم طلاق دهند و اگر هم میلشان کشید دوباره رجوع کنند اما در مرتبه سوم وضع به این آسانی نیست و برای این که زن بار دیگر به شوهرش تعلق

زندهایی که مطلقه می‌شوند با طلاق می‌گیرند هرگونه حقی را بر فرزندان خود از دست می‌دهند. فرزندان در کلیه موارد و بدون توجه به جنسیت، همیشه نزد پدرشان می‌مانند. می‌توان گفت که پدرها صاحب مطلق فرزندان هستند، زیرا در مشرق زمین اختیارات آنها حد و مرزی ندارد و فرزندان در هر سن و مقامی که باشند، هرگز بدون اجازه در حضور پدر نمی‌نشینند.

مرد ایرانی می‌تواند هر موقع که بخواهد زن خود را طلاق بدهد، اما زنها فقط در سه مورد می‌توانند تقاضای طلاق کنند: اول این که بتوانند ثابت کنند شوهرشان از دادن نفقه عاجز است. دوم این که به قید قسم اقرار کنند که شوهرشان تمایلات انحرافی دارد. متأسفانه این فساد در ایران و در همه کشورهای مشرق زمین به شدت رواج دارد. سوم این که سوگند یاد کنند که شوهرشان توانایی جنسی ندارد.

زندهایی که طلاق می‌گیرند تمام جهیزیه، اشیاء و جواهرات و به طور خلاصه آن‌چه را که شوهرشان به آنها داده است، با خود می‌برند و علاوه بر این، حق مطالبه مهریه تعیین شده را دارند، مشروط بر این که مجدداً درصدد ازدواج برنیایند.

چنان‌چه زن، فرزندی نداشته باشد خیلی کم ارث می‌برد مگر در مواقعی که متوفی زن دیگری نداشته، یا از کنیزهایش بچه‌دار نشده باشد و فقط در این مورد است که تمام دارایی شوهر را به ارث می‌برد ولی حق استفاده از ارثیه مشروط بر این است که زن وضع بیوگی خود را همچنان حفظ نماید و الا همانند طلاق، کلیه دارایی به موجب قانون به نزدیکترین اقوام شوهر برمی‌گردد که حتی می‌توانند از رد جهیزیه یا هرگونه مالی که شوهر احتمالاً در حیاتش به زن بخشیده بود، امتناع ورزند.



زیرنویس: سفرنامه گاسپار دروویل، ترجمه منوچهر اعتمادمقدم

طلبکاری حدود ۱۳۰۰ کارگر کارخانه تعطیل شده آی تی آی



کارخانه ۳۰ میلیارد تومان به کارگران بدهکار است

حدود ۱۳۰۰ کارگر کارخانه آی تی آی شیراز از سال ۱۳۸۵ تا کنون ۳۰ میلیارد تومان حقوق و حق سنوات خود را دریافت نکرده‌اند.

خبرگزاری تسنیم نوشته است که این کارخانه پس از واگذاری به بخش خصوصی دچار مشکل و در نهایت هم تعطیل شد. تعطیلی این کارخانه اما بدون تسویه حساب با ۱۳۲۶ کارگر این کارخانه صورت گرفت.

این خبرگزاری به نقل از هاشم شمشیری نماینده کارگران کارخانه آی تی آی نوشته است که بدهی این کارگران بدون در نظر گرفتن ضرر و زیان ۳۰ میلیارد تومان است و اگر این رقم به روز محاسبه شود میزان آن سه برابر عدد فعلی خواهد شد.

جعفر قادری نماینده شیراز در مجلس شورای اسلامی نیز درباره وضعیت این کارخانه گفته است که اموال کارخانه آی تی آی در اختیار بانک ملی و سازمان تامین اجتماعی است. به گفته او قرار بود این کارخانه در دوشنبه گذشته به مزایده گذاشته و از این طریق بدهی‌های آن پرداخت شود اما این مزایده با دستور قضایی لغو شده است.

پیش‌تر توجه نکردن به حق و حقوق کارگران یکی از دلایل لغو مزایده این کارخانه اعلام شده بود.

خبرگزاری تسنیم همچنین به نقل از رئیس کانون هم‌هنگی شوراهای اسلامی کار استان فارس نوشته است که صاحبان آی تی آی قصد راه‌اندازی مجدد آن را ندارند بلکه به دنبال استفاده از زمین کارخانه برای ساخت و ساز هستند.

در سال‌های اخیر و با شدت گرفتن تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران و همچنین مشکلات داخلی اقتصادی، ارقامی تکان دهنده از تعطیلی کارخانه‌های تولیدی منتشر شده است. آذر ماه سال گذشته معاون وزیر صنعت ایران از توقف فعالیت ۱۴ هزار واحد صنعتی خبر داد و گفت بیشتر تعطیلی‌ها در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ اتفاق افتاده است.

سیر صعودی نرخ بیکاری: جوانان و زنان بیشترین بیکاران



بیکاری زنان بیش از مردان

بر اساس این آمار، بحران بیکاری برای زنان بسیار شدیدتر از مردان است و نرخ بیکاری برای زنان در استان کهگیلویه و بویر احمد به ۸۵٫۹ درصد رسیده است.

گزارش منتشر شده نشان می‌دهد که زنان تهرانی از نظر اشتغال در مقایسه با زنان در سایر استان‌ها وضعیت مناسب‌تری دارند. نرخ بیکاری زنان پایتخت ۲۹٫۹ درصد است. زنان در استان‌های چهار محال و بختیاری با ۷۲٫۳ درصد، در مازندران با ۶۷٫۸ درصد و در گلستان با ۶۰٫۴ درصد نرخ بیکاری روبرو هستند. خبرگزاری مهر در گزارشی دیگری که چند روز پیش با استناد به آمارهای وزارت کار منتشر کرد نوشته بود که نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان زن در کشور ۶۵٫۵ درصد است.

متوسط نرخ بیکاری جوانان زیر ۳۰ سال با ۲۷٫۸ درصد حدود ۲۰۵ برابر نرخ عمومی بیکاری کشور است و بیکاری در میان زنان شدیدتر از مردان است.

این را خبرگزاری مهر طی گزارشی اعلام کرده است. این گزارش که وضعیت بیکاری را در نیمه نخست سال جاری بررسی می‌کند نشان می‌دهد که برخی از استان‌ها با بحرانی بسیار جدی از نظر اشتغال روبرو هستند. بر اساس آمارهای که خبرگزاری مهر منتشر کرده نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ سال در استان کهگیلویه و بویر احمد در تابستان جاری به ۴۸٫۷ درصد رسیده است؛ این نرخ در مورد جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله در استان کرمانشاه ۴۷٫۴ درصد را نشان می‌دهد.

رونمایی از دومین شهر موشکی سپاه



رونمایی از دومین شهر موشکی

که تنش منطقه‌ای بین حکومت این کشور و زمامداران عربستان سعودی رو به افزایش گذاشته است. این اقدام همچنین در حالیست که بحث تحریم ایران به دلیل آزمایش موشک زمین به زمین «عماد» در آمریکا در جریان است. دولت آمریکا می‌گوید که ایران با آزمایش موشک «عماد» قطعنامه‌های شورای امنیت را نقض کرده است. به گفته کمیته ناظر بر تحریم‌های ایران این موشک دارای قابلیت حمل کلاهک اتمی است ایران چنین قابلیتی ندارد. کمتر از یک هفته پیش حسین سلامی جانشین فرمانده سپاه اعلام کرد که ایران «صدها تونل مملو از موشک» دارد و برای انبار کردن آنها با «کمبود فضا» روبرو است. رونمایی از نخستین شهر موشکی سپاه در مهرماه ۹۴ با تائب گسترده‌ای در رسانه‌های غربی داشت.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از دومین شهر موشکی خود با حضور علی لاریجانی رییس مجلس شورای اسلامی رونمایی کرد.

خبرگزاری تسنیم فیلم و تصاویری از این شهر موشکی منتشر کرده که در آنها موشک‌های مختلف از جمله موشک بالستیک «عماد» با برد ۱۷۰۰ کیلومتر دیده می‌شود.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعلام کرده که در بیشتر شهرهای کشور و در اعماق ۵۰۰ متری زمین، شهرهای موشکی ایجاد کرده که در صورت نیاز از آنها استفاده خواهد کرد.

برای نخستین بار، مهرماه سال جاری از یکی از شهرهای موشکی سپاه رونمایی شد و تصویرهایی از آن توسط نیروی هوافضای سپاه منتشر گشت. در همان زمان سردار امیرعلی حاجی زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه گفت: «ایران آغازکننده هیچ جنگی نیست اما اگر اشتباهی از بیگانه سر زند، پایگاه‌های موشکی از اعماق زمین مانند آتشفشان فوران می‌کند و این برای دشمن خانمان سوز است.» ایران در شرایطی از دومین شهر موشکی خود رونمایی کرده است.

به یاد هماناطق؛ «خودم کردم که لعنت بر خودم باد!»

خودم کردم که لعنت بر خودم باد!



هما ناطق

سرگشته و شوریده کار خویشیم

صیاد نه ایم، هم شکار خویشیم

عسجدی

می‌تواند دعوی ریاست جمهوری اسلامی کند، وانگهی در طول آن کتاب نامی هم از ایران نیامده است. حال چگونه می‌توان نگرش منتظری را با «جدایی دین از دولت» همخوانی داد؟ لغو حکم اعدام خواست پارمنی یا یهودی یا یهبایی را در کنار مسلمان نشاناد؟

دیگر، سخن از وابستگی به گروه‌های ملی - مذهبی رفته است. دو واژه متضاد چرا که ملی به کشور

رومی‌گردد و مذهبی به امت، دو مقوله آشتی‌ناپذیر و نهی از محتوای علمی و نا آشنا با هویت ایرانی

چند سطر دریغ نوزد.

نخست یادآور شوم که در «منشور اتحاد ملی» نویسنده‌گان نامه

سرگشته طرحی پیشنهاد کرده‌اند در برابری حکومت مردمسالاری.

جدایی دین از حکومت، آزادی‌اندیشه و گفتار و نوشتار، برابری زن و مرد و نیز دگراندیشان، دکتریشان، لغو اعدام

و خوشنیت‌های دیگری که همه را به جان خریداریم و دست مریزاد می‌گوئیم.

پس سخن بر سر آن «منشور» نیست برسر ۱۴۵ تن از بزرگدگان یا جمع اعداد است که می‌بایست آن

آرمانهای برحق را به «وحدت» بدل کنند. کاری سهل و منتع!

به مثل نام، از حسینعلی منتظری برده‌اید. پرسیدنی است که آیا

خاطراتش را خوانده‌اید؟ آن آخوند بنیادگرا به صراحت و شرافت اعلام

می‌دارد که از «فدائیان اسلام» است و پیرو احکام قرآن. پس تنها «امت

اسلام» را بر می‌شناسد و بس از همین رو برانست که هر مسلمان

مومن، زاهر دیار و از هرزبان که باشد دعوت می‌کنیم:

در شماره ۹۳۹ (سوم بهمن ۱۳۸۱) مطبوع چاپ شده بود با عنوان «نامه سرگشته». در فراخوان احزاب و آزادیخواهان ایران، برای پیوستن به یک «منشور اتحاد ملی» و به راه نجات کشور از فروپاشی.

در آن نامه ۱۴۵ تن از سیاسی کاران، پژوهشگران، هنرمندان را از هرگرایش و از هر دست نام برده‌اند تا دست بدست هم دهند و «وحدت آفرین» گردند.

رویکرد این مختصر به همان نامه و نویسنده‌گان است. امیدم این که روزنامه محترم کیهان از چاپ این

نخست یادآور شوم که در «منشور اتحاد ملی» نویسنده‌گان نامه

سرگشته طرحی پیشنهاد کرده‌اند در برابری حکومت مردمسالاری.

جدایی دین از حکومت، آزادی‌اندیشه و گفتار و نوشتار، برابری زن و مرد و نیز دگراندیشان، دکتریشان، لغو اعدام

و خوشنیت‌های دیگری که همه را به جان خریداریم و دست مریزاد می‌گوئیم.

پس سخن بر سر آن «منشور» نیست برسر ۱۴۵ تن از بزرگدگان یا جمع اعداد است که می‌بایست آن

آرمانهای برحق را به «وحدت» بدل کنند. کاری سهل و منتع!

به مثل نام، از حسینعلی منتظری برده‌اید. پرسیدنی است که آیا

خاطراتش را خوانده‌اید؟ آن آخوند بنیادگرا به صراحت و شرافت اعلام

می‌دارد که از «فدائیان اسلام» است و پیرو احکام قرآن. پس تنها «امت

اسلام» را بر می‌شناسد و بس از همین رو برانست که هر مسلمان

مومن، زاهر دیار و از هرزبان که باشد دعوت می‌کنیم:

وقتی می‌خواند: **بانک مؤذن مرا کشد به مسجد ناله جاتسوز یار اگر یگنادر**

خوشا که خواننده ما به آرزوی دیرینه رسید. یار و ما را بهلبد، راه مسجد گرفت و «مؤذن! دلم به حال ویگن پاک سرشت و بانو دلکش ایضا سوخت که نام برده‌اید. آنان بکرنگی گزیدند و نان به نرخ سیاست نخوردند.

پدیده‌خانه در آن نامه سرگشته‌ها به نام من هم اشاره رفته بود. پرونده بنده چه سالی ناپوشودنی تر از دیگران باشد.

چرا که در انقلاب هم مدرس بودم و داشت که اندوخته‌ها و دانسته‌ها را به زیاده‌دانی ریختم و در هر مرتگی با چهل

جماعت به خیابانها سرازیر شدم هم محقق! بدا که شور چنان روم

داشت که اندوخته‌ها و دانسته‌ها را به زیاده‌دانی ریختم و در هر مرتگی با چهل

جماعت به خیابانها سرازیر شدم هم محقق! بدا که شور چنان روم

داشت که اندوخته‌ها و دانسته‌ها را به زیاده‌دانی ریختم و در هر مرتگی با چهل

جماعت به خیابانها سرازیر شدم هم محقق! بدا که شور چنان روم

داشت که اندوخته‌ها و دانسته‌ها را به زیاده‌دانی ریختم و در هر مرتگی با چهل

جماعت به خیابانها سرازیر شدم هم محقق! بدا که شور چنان روم

داشت که اندوخته‌ها و دانسته‌ها را به زیاده‌دانی ریختم و در هر مرتگی با چهل

جماعت به خیابانها سرازیر شدم هم محقق! بدا که شور چنان روم

داشت که اندوخته‌ها و دانسته‌ها را به زیاده‌دانی ریختم و در هر مرتگی با چهل

جماعت به خیابانها سرازیر شدم هم محقق! بدا که شور چنان روم

داشت که اندوخته‌ها و دانسته‌ها را به زیاده‌دانی ریختم و در هر مرتگی با چهل

جماعت به خیابانها سرازیر شدم هم محقق! بدا که شور چنان روم

داشت که اندوخته‌ها و دانسته‌ها را به زیاده‌دانی ریختم و در هر مرتگی با چهل

جماعت به خیابانها سرازیر شدم هم محقق! بدا که شور چنان روم

داشت که اندوخته‌ها و دانسته‌ها را به زیاده‌دانی ریختم و در هر مرتگی با چهل

جماعت به خیابانها سرازیر شدم هم محقق! بدا که شور چنان روم

داشت که اندوخته‌ها و دانسته‌ها را به زیاده‌دانی ریختم و در هر مرتگی با چهل

جماعت به خیابانها سرازیر شدم هم محقق! بدا که شور چنان روم

داشت که اندوخته‌ها و دانسته‌ها را به زیاده‌دانی ریختم و در هر مرتگی با چهل

جماعت به خیابانها سرازیر شدم هم محقق! بدا که شور چنان روم

داشت که اندوخته‌ها و دانسته‌ها را به زیاده‌دانی ریختم و در هر مرتگی با چهل

جماعت به خیابانها سرازیر شدم هم محقق! بدا که شور چنان روم

داشت که اندوخته‌ها و دانسته‌ها را به زیاده‌دانی ریختم و در هر مرتگی با چهل

جماعت به خیابانها سرازیر شدم هم محقق! بدا که شور چنان روم

داشت که اندوخته‌ها و دانسته‌ها را به زیاده‌دانی ریختم و در هر مرتگی با چهل

جماعت به خیابانها سرازیر شدم هم محقق! بدا که شور چنان روم

داشت که اندوخته‌ها و دانسته‌ها را به زیاده‌دانی ریختم و در هر مرتگی با چهل

جماعت به خیابانها سرازیر شدم هم محقق! بدا که شور چنان روم

داشت که اندوخته‌ها و دانسته‌ها را به زیاده‌دانی ریختم و در هر مرتگی با چهل

جماعت به خیابانها سرازیر شدم هم محقق! بدا که شور چنان روم

داشت که اندوخته‌ها و دانسته‌ها را به زیاده‌دانی ریختم و در هر مرتگی با چهل

جماعت به خیابانها سرازیر شدم هم محقق! بدا که شور چنان روم

داشت که اندوخته‌ها و دانسته‌ها را به زیاده‌دانی ریختم و در هر مرتگی با چهل

جماعت به خیابانها سرازیر شدم هم محقق! بدا که شور چنان روم

داشت که اندوخته‌ها و دانسته‌ها را به زیاده‌دانی ریختم و در هر مرتگی با چهل

جماعت به خیابانها سرازیر شدم هم محقق! بدا که شور چنان روم

داشت که اندوخته‌ها و دانسته‌ها را به زیاده‌دانی ریختم و در هر مرتگی با چهل

جماعت به خیابانها سرازیر شدم هم محقق! بدا که شور چنان روم

داشت که اندوخته‌ها و دانسته‌ها را به زیاده‌دانی ریختم و در هر مرتگی با چهل

جماعت به خیابانها سرازیر شدم هم محقق! بدا که شور چنان روم

داشت که اندوخته‌ها و دانسته‌ها را به زیاده‌دانی ریختم و در هر مرتگی با چهل

جماعت به خیابانها سرازیر شدم هم محقق! بدا که شور چنان روم

داشت که اندوخته‌ها و دانسته‌ها را به زیاده‌دانی ریختم و در هر مرتگی با چهل

جماعت به خیابانها سرازیر شدم هم محقق! بدا که شور چنان روم

داشت که اندوخته‌ها و دانسته‌ها را به زیاده‌دانی ریختم و در هر مرتگی با چهل

جماعت به خیابانها سرازیر شدم هم محقق! بدا که شور چنان روم

داشت که اندوخته‌ها و دانسته‌ها را به زیاده‌دانی ریختم و در هر مرتگی با چهل

جماعت به خیابانها سرازیر شدم هم محقق! بدا که شور چنان روم

داشت که اندوخته‌ها و دانسته‌ها را به زیاده‌دانی ریختم و در هر مرتگی با چهل

جماعت به خیابانها سرازیر شدم هم محقق! بدا که شور چنان روم

داشت که اندوخته‌ها و دانسته‌ها را به زیاده‌دانی ریختم و در هر مرتگی با چهل

جماعت به خیابانها سرازیر شدم هم محقق! بدا که شور چنان روم

داشت که اندوخته‌ها و دانسته‌ها را به زیاده‌دانی ریختم و در هر مرتگی با چهل

جماعت به خیابانها سرازیر شدم هم محقق! بدا که شور چنان روم

داشت که اندوخته‌ها و دانسته‌ها را به زیاده‌دانی ریختم و در هر مرتگی با چهل

جماعت به خیابانها سرازیر شدم هم محقق! بدا که شور چنان روم

داشت که اندوخته‌ها و دانسته‌ها را به زیاده‌دانی ریختم و در هر مرتگی با چهل

جماعت به خیابانها سرازیر شدم هم محقق! بدا که شور چنان روم

داشت که اندوخته‌ها و دانسته‌ها را به زیاده‌دانی ریختم و در هر مرتگی با چهل

جماعت به خیابانها سرازیر شدم هم محقق! بدا که شور چنان روم

داشت که اندوخته‌ها و دانسته‌ها را به زیاده‌دانی ریختم و در هر مرتگی با چهل

جماعت به خیابانها سرازیر شدم هم محقق! بدا که شور چنان روم

داشت که اندوخته‌ها و دانسته‌ها را به زیاده‌دانی ریختم و در هر مرتگی با چهل

جماعت به خیابانها سرازیر شدم هم محقق! بدا که شور چنان روم

داشت که اندوخته‌ها و دانسته‌ها را به زیاده‌دانی ریختم و در هر مرتگی با چهل

جماعت به خیابانها سرازیر شدم هم محقق! بدا که شور چنان روم

داشت که اندوخته‌ها و دانسته‌ها را به زیاده‌دانی ریختم و در هر مرتگی با چهل

جماعت به خیابانها سرازیر شدم هم محقق! بدا که شور چنان روم

داشت که اندوخته‌ها و دانسته‌ها را به زیاده‌دانی ریختم و در هر مرتگی با چهل

جماعت به خیابانها سرازیر شدم هم محقق! بدا که شور چنان روم

داشت که اندوخته‌ها و دانسته‌ها را به زیاده‌دانی ریختم و در هر مرتگی با چهل

جماعت به خیابانها سرازیر شدم هم محقق! بدا که شور چنان روم

داشت که اندوخته‌ها و دانسته‌ها را به زیاده‌دانی ریختم و در هر مرتگی با چهل

جماعت به خیابانها سرازیر شدم هم محقق! بدا که شور چنان روم

جوانان ۴۶ درصد استفاده‌کنندگان ماهواره در ایران



رئیس مرکز افکارسنجی جهاد دانشگاهی می‌گوید بر اساس نظرسنجی این سازمان ۴۶ درصد استفاده‌کنندگان از شبکه‌های ماهواره‌ای در ایران جوانان هستند.

ماهواره محمد آقاسی در نشست هم‌اندیشی فعالان فرهنگی و اجتماعی استان لرستان گفته است که بر اساس این نظرسنجی در مجموع ۳۸ درصد از مردم از ماهواره استفاده می‌کنند که ۴۶ درصد آنها جوانان ۱۸ تا ۲۲ سال و ۳۸ درصد افراد میان‌سال ۳۰ تا ۴۹ سال هستند.

به گفته او میزان استفاده از ماهواره در بین افراد ۵۰ سال به بالا نیز ۲۵ درصد است.

محمد آقاسی با اشاره به اینکه «استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای توسط مردم ایران لزوماً به معنای اعتماد به ماهواره نیست» اضافه کرده است که «از سال ۷۸ تا ۸۸ روند استفاده از ماهواره در کشور ایران کاملاً صعودی بوده و از سال ۸۸ تا ۹۲ این روند به صورت نامنظم بوده است».

در گزارش های مرکز آمار کسی که یک ساعت در هفته کار کند شاغل محسوب می‌شود و به همین دلیل و به گفته کارشناسان نرخ واقعی بیکاری در ایران بسیار بیش از آمار اعلام شده تخمین زده می‌شود.

ارایه شده از سوی مقامات کشور حاکی از افزایش میزان استفاده از ماهواره در ایران است. مهر ماه سال گذشته جانشین حفاظت اطلاعات سپاه امام رضا اعلام کرد که حدود ۵۰ میلیون گیرنده ماهواره در ایران وجود دارد. این در حالیست که گفته می‌شود برخی از نهادهای رسمی خودشان در بازرشوش بشقاب‌های جمع‌آوری شده و هم چنین وارد کردن آن به کشور دست دارند.

مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۳ قانون ممنوعیت استفاده از تجهیزات ماهواره‌ای را تصویب کرد و نیروی انتظامی در تمامی سال‌های گذشته بارها اقدام به جمع‌آوری آنتن‌های ماهواره‌ای کرده است بدون آنکه توانسته باشد مانع استفاده از آن شود. برخورد با دارندگان ماهواره پس از ناآرامی های انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ تشدید شد. با وجود این محدودیت‌ها، آمارهای

اضافه شدن روزانه ۷۰ تا ۱۰۰ نفر به جمعیت معتادان کشور



معلوم نیست چه دستگاهی باید نظارت بر معتادان ترک کرده را بر عهده بگیرد

افزود: «در سال ۱۳۸۹ قانونی در زمینه مبارزه با مواد مخدر تدوین و در مجمع تشخیص مصلحت نظام مورد تأیید قرار گرفت و طی آن مقرر شد که معتادان بی‌بضاعت تحت پوشش بیمه درمانی قرار گیرند».

به گفته سعید صفیانی، این قانون با وجود تصویب و ابلاغ تا کنون اجرائی نشده است.

مرداد ماه سال جاری نیز سازمان پزشکی قانونی از افزایش پنج و نیم درصدی مرگ و میر ناشی از سوء مصرف مواد مخدر خبر داد.

دائمی یک میلیون و ۲۰۰ هزار و معتادان تفننی ۸۰۰ هزار نفر است. حدود یک هفته پیش سعید صفاتیان رئیس کارگروه کاهش تقاضای اعتیاد مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز در گفت و گو با خبرگزاری ایلنا گفت که تعداد معتادان خیابانی از سال ۱۳۸۵ تاکنون از ۱۵ هزار نفر به ۱۲۰ تا ۱۵۰ هزار نفر افزایش یافته است.

او با انتقاد از اینکه هنوز مشخص نیست چه دستگاهی باید نظارت بر معتادان ترک کرده را بر عهده بگیرد،

روزبه کردوانی مدیر کل آسیب‌های اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی می‌گوید که «از سال ۱۳۸۵ به این سو روزانه ۷۰ تا ۱۰۰ نفر به جمعیت معتادان کشور افزوده شده است».

به گزارش خبرگزاری ایرنا، او در عین حال تأکید کرده است که برخی فعالان مدنی و یا مسوولان ستاد مبارزه با مواد مخدر جمعیت معتادان کشور را بیش از این ارقام می‌دانند. به گفته کردوانی و به نقل از ستاد مبارزه با مواد مخدر، شمار معتادان

شما با آگهی در کیهان فقط اطلاع‌رسانی و کسب و کار خود را معرفی نمی‌کنید بلکه یک کار فرهنگی نیز انجام می‌دهید:

کیهان، کیهان لندن، کیهان خودتان را زنده نگاه می‌دارید

www.kayhan.london

ads@kayhanlondon.net

آخرین ویدئوهای خبری در لنز ایران

www.lenziran.com

LENZIRAN
Focus visually on iran



سیاست‌های رهبر در مجلس شورای اسلامی است.

یک نگرانی دیگر هم در سیاست‌های جدید دوران پساتحریم وجود دارد؛ ورود پر قدرت تر سپاه پاسداران به عرصه اقتصادی.

در سال‌های گذشته و با روی کار آمدن دولت حجت‌الاسلام حسن روحانی بارها مقامات ارشد سپاه و بسیج از به کار گرفته نشدن «ظرفیت»‌های این دو نهاد نظامی در اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی گله کرده بودند. مشخص نیست که فرمان جدید رهبر جمهوری اسلامی که می‌خواهد حوزه اقتصاد را زمین جنگی کند و «ستاد فرماندهی» تشکیل دهد، آیا قصد دارد مانند حوزه امنیتی و اطلاعاتی دست دولت را کوتاه کرده و سپاه را همه کاره کند؟ از سویی دیگر بخش خصوصی با تعریفی که دکتر اسدی نیز به آن اشاره کرده است در واقع بخش بزرگی از موسسات مالی و اجرایی سپاه را شامل می‌شود. در این بین دکتر اسدی تأکید دارد که پس از «کودتایی» که سپاه در دوران آقای خاتمی انجام داد و تمام قدرت را به دست گرفت» حالا می‌خواهد به اسم اقتصاد مقاومتی «تمام اقتصاد را در دست داشته باشد». اینکه قدرت دولتی و نهادهای بزرگ مالی- تجاری در دست آنها بوده و بخشی از سپاه پاسداران همچون قرارگاه خاتم الانبیا بزرگترین پیمانکار کشور محسوب می‌شود یک سوی ماجراست و بخشی که امروز مطرح می‌شود در واقع نفوذ



دکتر جمشید اسدی: ما اصلا بخش خصوصی نداریم!

سپاه در بخش‌های حتی خرد اقتصاد خصوصی است.

دکتر جمشید اسدی البته جنبه دیگری را به این موضوع اضافه کرده و می‌گوید: «صحبت‌های رهبر جمهوری اسلامی در واقع یک شورای نگهبان اقتصادی تولید می‌کند که در آن سپاه، بسیج و رانت‌خواران تشخیص خواهند داد چگونه بخش خصوصی را وارد سیاست‌های اقتصادی کنند. در چنین شرایطی پویایی اقتصاد محقق نمی‌شود چون رقابت وجود ندارد و فساد رشد می‌کند چرا که یک عده مشخص خواهند کرد که چه کسانی در به اصطلاح بخش خصوصی از امکانات برخوردار باشند و یا در سیاست‌گذاری‌ها شرکت کنند».

چنین فضای فسادپروری که امکانات را پیش از اینکه به صورت مساوی در جامعه اقتصادی معرفی کند، در میان شبکه‌های نزدیک به قدرت تقسیم می‌کند نمی‌تواند ادعای خصوصی بودن داشته باشد. با این حساب می‌توان گفت که اقتصاد مقاومتی تنها به گسترش رانت‌خواری و فساد کمک خواهد کرد تا سپاه پاسداران و دیگر نهادهای دولتی بر بخش‌های بیشتری از اقتصاد تسلط مطلق پیدا کنند. دکتر جمشید اسدی بر این باور است که این سیاست‌ها «فسادآور» و تأکید می‌کند: «من فکر نمی‌کنم نظام جمهوری اسلامی از این دور باطل بیرون بیاید».

در گفتگو با دکتر جمشید اسدی:

شورای نگهبان اقتصادی



اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی می‌تواند به تولید یک «شورای نگهبان اقتصادی» بیانجامد

شورای اسلامی نیز نمایندگان کارگزاران سیاست‌های ولی فقیه و نه نمایندگان واقعی مردم هستند. او با اشاره به حکم‌های حکومتی رهبر جمهوری اسلامی برای تغییر و یا توقف روندهای موجود در مجلس شورای اسلامی می‌گوید: «در چنین شرایطی دلواپس‌ها بیشتر دل‌نگران این هستند که عمل آنها موجب رنجش خاطر به تعبیر خودشان مقام معظم رهبری نشود. حال آنکه عنوان نماینده مردم را هم می‌خواهند یدک بکشند». دکتر اسدی با به تصویر کشیدن چنین فضایی در حوزه سیاست به موضوع بخش خصوصی باز می‌گردد و می‌گوید: «ما الان صحبت این را نمی‌کنیم که چرا اقتصاد رقابتی نیست، امتیازها را به یک عده خاصی می‌دهند، همه فعالیت آزاد ندارند، چرا که واردات منحصر به عده‌ای خاص است و موارد متعددی که حالا به آنها نمی‌پردازم اما اگر قرار است بخش خصوصی فعالیت بکند چگونه است که شما می‌خواهید او را هم فرمانبردار رهبر جمهوری اسلامی کنید و هم خصوصی بماند، این که دیگر بخش خصوصی نمی‌شود. این می‌شود کارگزار سیاست‌های رهبری، درست مثل آن نماینده‌ای که نماینده مردم نیست و تنها کارگزار



فرمان رهبر جمهوری اسلامی: تسلط مطلق سپاه پاسداران بر اقتصاد

شرکت‌هایی که غیر دولتی نباشند را خصوصی می‌دانند». آنچه دکتر جمشید اسدی بر آن تأکید دارد در واقع تضاد سیاست‌گذاری‌های حتی جزئی در حوزه بخش خصوصی اقتصاد است. او بر این باور است که در دیدگاه رهبر جمهوری اسلامی، بخش خصوصی تنها «کارگزار سیاست‌های اوست» همان طور که در مجلس

ایران نداریم. ما حوزه خصوصی حکمرانان را در کشور داریم این با بخش خصوصی بسیار متفاوت است. درست مانند مجلس ما، یعنی مجلس آزاد نداریم اما مجلس نمایندگان داریم که برگزیده و مورد نظر رهبر جمهوری اسلامی و نظام است. در بخش خصوصی که ما امروز در ایران شاهد آن هستیم در واقع

برخوردار نیست مگر اینکه پروژه‌ها و فکری خطرناکی در ذهن داشته باشند که باعث تشدید نگرانی است. اما جنبه دیگری که در سال‌های گذشته مورد تأکید رهبر جمهوری اسلامی قرار داشته، موضوع خصوصی سازی اقتصاد و اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی بوده است. در سال‌های گذشته اجرای این پروژه‌ها به اقتصاد رانتی ایران دامن زده و آن را تشدید کرده است به نحوی که برخی به جای واژه خصوصی سازی از اصطلاح «اختصاصی سازی» استفاده می‌کنند شامل شرکت‌های بزرگ و سوددهی که به سپاه پاسداران و شرکت‌های مربوط به آن واگذار شده است و یا افرادی که با دولت رابطه خوبی داشته‌اند و از امکانات بانکی مناسبی برای خرید و فروش بهره‌مند شدند.

در فرمان اخیر رهبر جمهوری اسلامی صحبت از حضور بخش خصوصی در اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است. حال سوال اینجاست که اگر این بخش خصوصی است پس چرا برای او فرمان صادر می‌کنید و اگر هم نیست چرا اصرار دارید که بگویید این اقتصاد اختصاصی همان خصوصی است؟ دکتر جمشید اسدی در ادامه گفتگو با کیهان لندن تأکید دارد که ما «اصلا بخش خصوصی در

کامیار به رنگ- با اینکه به نظر می‌رسد برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) به روز اجرای خود نزدیک شده است اما همچنان نگرانی‌هایی از سال‌های پیش روی این توافق وجود دارد.

نمونه‌های آن را می‌توان در انجام آزمایش‌های موشکی توسط سپاه پاسداران و اقداماتی همچون حمله به سفارت پادشاهی سعودی در تهران مشاهده کرد. اقداماتی که شاید به طور مستقیم نقض برجام نباشند اما هر کدام از آنها می‌تواند اثرات مثبت این توافق را در سایه قرار دهد.

در ماه‌های گذشته رهبر جمهوری اسلامی بر دو موضوع تأکید بسیار داشته است؛ استکبار ستیزی و مقابله با نفوذ، و اقتصاد مقاومتی.

هر دو این محورهای زمانی که محمدجواد ظریف و جان کری دست دوستی می‌دهند و جلسات مستقیم طولانی برگزار می‌کنند بیشتر شبیه یک شعار است اما این ماجرا را می‌توان از یک زاویه دیگر نیز تفسیر کرد. رهبر جمهوری اسلامی که پیش از توافق هسته‌ای با گروه ۵+۱ و در اوج اجرای تحریم‌های جهانی، صحبت از اقتصاد مقاومتی را مطرح کرده بود حالا پس از توافق و باز شدن فضای اقتصادی کشور به سوی سرمایه‌گذاران خارجی طرح این موضوع چه ضرورتی دارد و رهبر رژیم به دنبال کدام مقاومت است؟

با دکتر جمشید اسدی، استاد دانشگاه اقتصاددان مقیم پاریس در این مورد به بحث نشستیم تا از دید او «اقتصاد مقاومتی پساتحریم» مورد نظر رهبر را بررسی کنیم. او بر این باور است که تأکید رهبر جمهوری اسلامی و فرمان او در ماه گذشته مبنی بر تشکیل «ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی» درست مانند ستادهای فرماندهی جنگ، «بسیار خطرناک و نگران کننده» است. دکتر اسدی با اشاره به نیاز شدید اقتصاد ایران برای ورود سرمایه‌های خارجی بخصوص در بخش نفت و گاز و به مقایسه میان قدرت ایران و عربستان سعودی در اوپک پرداخت. قدرتی که در ۳۷ سال گذشته با فرصت‌سوزی‌های بسیار از اوج قدرت به یکی از پایین‌ترین سطوح ممکن سقوط کرده است.

اما بحث بر روی نگران کننده بودن فرمان رهبر جمهوری اسلامی متمرکز شد. دکتر اسدی بر این باور است که «نمی‌توان هم تعامل کرد و هم مقاومت» و تأکید دارد سخنان رهبر جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که «اگر این تنش‌ها هم فرو بریزد و حتی اگر قرار باشد با سرمایه و فن آوری خارجی اقتصاد به زمین نشسته سرزمین ما به پا خیزد او مخالف است. شما نمی‌توانید کسی را

به مهمانی دعوت کنید بعد در مقابل در ورودی در برابرش مقاومت کنید. پس وقتی که بحث مقاومت را مطرح می‌کنید یعنی یک فکر و اندیشه‌ای دارید که فکر تعامل، همکاری و سرمایه‌گذاری مشترک نیست. شما اگر تنش‌ها را از بین ببرید و با جهان تعامل کنید دیگر احتیاج به مقاومت در برابر چه کسی دارید؟ مقاومت وقتی است که کسی را متجاوز می‌دانید و در برابر او این سیاست مقاومت را اجرا می‌کنید. یک زمانی بود که جسته و گریخته در دوران تحریم‌ها این موضوع را مطرح کردند.

در آن دوران هم رهبر جمهوری اسلامی پشتیبان آقای احمدی نژاد بود که به اعمال تحریم‌های جهانی انجامید. آن موقع این حرف از سوی آنها منطقی به نظر می‌رسید چرا که طرف مقابل را مهاجم می‌دانستند و خودشان را با وجود تمام تنش‌افروزی‌ها مظلوم؛ حالا می‌گفتند مقاومت کنیم. امروز که این وضعیت نیست و قرار است که درها باز شوند. این صحبت امروز از انسجام منطقی



قرارگاه خاتم الانبیا را می‌توان بزرگترین پیمانکار ایران دانست